

تحلیل اثباتی و هنجاری حقوق کیفری و مجازات‌های بهینه از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق

اسماعیل انصاری*

چکیده

تحلیل اقتصادی حقوق کیفری مطالعه‌ای میان رشته‌ای بین حقوق و اقتصاد است. رشته‌ای که در آن روش‌ها و ابزارهای اقتصادی برای پیش‌بینی و پیشگیری از پدیده مجرمانه به کار گرفته می‌شود. این رشته با نگرش اثباتی و هنجاری به مطالعه پدیده‌های اجتماعی به ویژه جرایم می‌پردازد. نگرش اثباتی وضعیت قوانین موجود در جامعه و نحوه واکنش افراد به قواعد و مقررات حقوقی را به عنوان محرک‌های اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌دهد. این نگرش بدون تغییر و اصلاح قوانین موجود درصدد است به هدف کارایی دست یابد، زیرا معتقد است که کارایی در بطن قوانین و مقررات وجود دارد و قاضی باید آن را استخراج کند. اما نگرش هنجاری، اصلاح قوانین و مقررات را برای ایجاد بهترین شرایط ممکن از نظر کارایی ضروری می‌داند، نگرشی که اصلاح قوانین را تا جایی که منجر به افزایش رفاه جامعه یا رسیدن به آنچه در اقتصاد، کارایی کالدور_هیكس می‌نامند، تجویز می‌نماید.

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، معیار هزینه-فایده ابزاری مناسب برای ارزیابی نتایج قانونگذاری است، ابزاری که به قانونگذار کمک می‌کند تا با ارزیابی هزینه‌ها و منافع سیاست‌های جنایی مختلف، سیاستی را که منجر به افزایش میزان رفاه جامعه می‌شود، تعیین کند. بدین‌سان، سیاستگذار می‌تواند به تخصیص بهینه منابع، در جایی که با کمبود منابع مواجه است، دست یابد.

تحلیل اقتصادی کیفری دو معیار برای جرم‌انگاری رفتارهای بزهکارانه در جامعه مطرح می‌نماید. نخست، معیار «درونی سازی حقوق کیفری»، به این معنا که حقوق کیفری باید

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام‌خمينی (ره)

هزینه های ناشی از جرایم را کاهش دهد. اما کاستی های این معیار در بازدارندگی، برخی را بر آن داشت که در جهت تکمیل این قاعده، «معیار تکمیلی بودن حقوق کیفری» را مطرح نمایند. معیاری که به جامعه اجازه می دهد از حقوق کیفری و ضمانت اجرای آن به مثابه قاعده ای تکمیلی برای افزایش میزان بازدارندگی بهره ببرد.

معیار تکمیلی بودن حقوق جزا، از یک سو به دنبال درونی سازی هزینه های جرایم است و از سوی دیگر، در جرایمی که بازده اقتصادی بالا دارند، اعمال ضمانت اجرای حقوق کیفری را به عنوان قاعده ای تکمیلی برای قانونگذار به منظور بالا بردن سطح بازدارندگی، تجویز می کند.

همچنین، دستیابی به مجازات های بهینه به عنوان یکی از اهداف والای تحلیل اقتصادی حقوق کیفری مطرح شده و در این راستا به تبیین آنچه از دیدگاه اقتصادی مجازات بهینه محسوب می شود، می پردازند.

واژگان کلیدی: تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، تحلیل اقتصادی هنجاری، تحلیل اقتصادی اثباتی، هزینه - فایده، درونی سازی حقوق کیفری، تکمیلی بودن حقوق کیفری، مجازات های بهینه.

مقدمه

تحلیل اقتصادی حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه های تحلیل اقتصادی حقوق، نگرشی است که با اندیشه ها و روش های اقتصادی، به ویژه اقتصاد خرد، به تبیین پدیده بزهکارانه می پردازد. فعالیت های اولیه در این زمینه به صورت مدون با کارهای گری بکر در سال ۱۹۶۸ شروع شد و بعدها توسط نیونو گاروپا^۱ (۱۹۹۷) و میشل پلینسکی^۲ و استیون شاول^۳ (۲۰۰۰) به اوج خود رسیده است.^۴

این نویسندگان بر اصل عقلانیت به عنوان یک عامل اساسی در نحوه واکنش افراد به محرک های اقتصادی یا غیر اقتصادی تاکید می کردند. واکنشی که هر بازیگر اقتصادی به تغییرات در بازار نشان می دهد و نحوه مدیریت این واکنش ها، از سوی تحلیلگر اقتصادی

1. Nuno Garoupa

2. Mitchell Polinsky

3. Steven Shavell

4. Nuno Garoupa, **An Economic Viewpoint Of Criminal Systems In Civil Law Countries**, at: Law And Economics In Civil Law Countries, Edited By Bruno Deffains & Thierry krait, EVIER SCIENCE B.V., 2001, p.200.

حقوق اقتباس می‌شود تا با تکیه بر این اصول رفتارهای بزهکارانه را پیش‌بینی کند و در نهایت، به هدف پیشگیری نائل شود.^۱

از دیدگاه تحلیل‌گران اقتصادی حقوق کیفری، نظریه‌ای که میزان نرخ جرایم را تابعی از واکنش به خطرات و منافع حاصل از رفتار می‌داند، نظریه بازدارندگی می‌نامند. در این نظریه از قانون تقاضا برای تبیین موضوعات عدالت کیفری استفاده می‌شود. بدین ترتیب، گفته می‌شود مردم به محرک‌هایی که توسط نظام عدالت کیفری ایجاد می‌شود، واکنش نشان می‌دهند. البته، برخی در انتقاد به این فرضیه می‌گویند از آنجا که جرایم ریشه‌های متعدد اقتصادی-اجتماعی و زیستی دارند، بهترین راهکار برای کاستن از میزان جرایم و هزینه‌های آن، اختصاص منابع به صورت پراکنده به هر کدام از این حوزه‌های جرم‌زاست.

تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، راه رسیدن به سیاست جنایی بهینه در مبارزه با بزهکاری و کاهش میزان هزینه‌های جرایم را ادغام نظریه‌های بازدارندگی می‌داند. بدینسان، نظریه‌هایی که تنها هدف حقوق کیفری را منع و بازدارندگی مطلق، صرف نظر از هزینه‌های آن می‌دانند، با نظریه‌هایی که هدف را توزیع بهینه هزینه‌ها در بخش‌ها مختلف می‌دانند، ادغام می‌شوند.

برای مثال، سیاست جنایی را فرض کنید که به دنبال بازدارندگی از ارتکاب جرمی معین، مثل مواد مخدر است. سیاستگذار می‌تواند راه حلی را در پیش گیرد که از طریق افزایش میزان مجازات یا بالا بردن احتمال کشف و دستگیری مجرم پس از ارتکاب، از میزان این جرایم بکاهد و حتی تا مرحله حذف نیز پیش برود. هرچند، مبارزه با جرم مواد مخدر با این روش با انتقادهایی روبرو است: نخست، در مجازات‌های سنگین همواره احتمال نقض حقوق اخلاقی و اساسی متهمان وجود دارد. ثانیاً، اعمال این نوع از سیاست جنایی ممکن است هزینه‌های زیادی را به دولت‌ها تحمیل کند، زیرا، کشف جرایم، دستگیری بزهکاران، تحقیقات دادسراها و تشکیل دادگاه و اجرای احکام می‌تواند هزینه‌های زیادی را به بار آورد.^۲

به دلیل کمبود منابع، برقراری تعادل بین هزینه‌های مبارزه علیه بزهکاری و منافع حاصل از کاهش جرایم در هنگام سیاستگذاری امری ضروری به حساب می‌آید. تحلیل‌گران اقتصادی حقوق اذعان می‌دارند که دستیابی به حد بهینه جرایم، ضرورتاً به معنای

1. Roger Van den Bergh & Louis Visscher, **Optimal Enforcement of Safety Law**, Rotterdam Institute of Law and Economics (RILE), 2008, p.1.

<http://ssrn.com/abstract=1115257>

2. Nuno Garoupa, **op.cit.**, p.200.

حذف کلی جرایم از جامعه نیست. زیرا، حذف کلی جرایم برای دولت هزینه های فراوانی دارد و از میزان رفاه اجتماعی می‌کاهد. بدین‌سان، متولیان امر سیاستگذاری باید منابع را به گونه ای تخصیص دهند که به سطحی از بازدارندگی دست یابند که کمترین هزینه را داشته باشد. در واقع، آنها کارایی را به عنوان یکی از اهداف خود در تعیین جرایم و مجازات‌ها بیان می‌کنند.^۱ معیاری که قانونگذار به طور ضمنی در قوانین به آن توجه داشته و در مقام عمل، قاضی و مجریان حقوق باید آن را استنباط کرده و بدان عمل نمایند.

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی از مهمترین اهداف سیاستگذار است. در نتیجه، آن نوع سیاست‌گیری کیفیت تجویز می‌شود که در آن اجرای مجازات برای دولت کم هزینه است، بازدارندگی در حد بهینه است و بزهکاران کمتری به سمت بزه سوق پیدا می‌کنند.

تحلیل اقتصادی حقوق، تحولاتی را در نحوه نگرش به قانونگذاری و مقررات گذاری به وجود آورده است. اغلب کشورها با پیشرفت های اقتصادی خود درصدد برآمده اند تا قوانین موضوعه را نیز بر اساس مبانی اقتصادی تغییر دهند. از این رو، این شعار را که قواعد حقوقی باید در جهت کارآمدی تغییر یابند و پشتوانه ای برای رسیدن به اهداف اقتصادی باشند، مطرح کرده اند.

کشور ما نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است که به دنبال اصلاح نظام اقتصادی است. اقتصاددانان معتقدند که هر گونه تغییر در قوانین و مقررات، مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر های اقتصادی اثرگذار است و نهایتاً تخصیص منابع را متاثر می‌سازد.^۲ از این رو وضع قوانین و مقررات در زمینه های مختلف بدون توجه به اصلاحات نظام اقتصادی و عدم استفاده از ابزارهای اقتصادی می‌تواند به شکست این اصلاحات منجر شود. رویکرد اقتصادی این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان از ابزارها و روش های اقتصادی برای تبیین و پیش بینی قوانین استفاده کرد. برای مثال، چندی پیش اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۹ به تصویب رسید.

1. Richard A. Posner, *An Economic Theory of the Criminal Law*, Columbia Law Review, Vol. 85, No. 6. Oct.1985, p. 1195.

۲. دکتر فرهاد خداد کاشی، محمد نبی شهیکی تاش، حوزه و وسعت قانون رقابت با توجه به ساختار اقتصادی (مطالعه موردی ایران)، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۱۳۸۶، ۲۳، ص ۱۴۴.

در این مصوبه، از یک سو، برخی از رفتارها جرم انگاری شدند و از سوی دیگر، مجازات‌های سنگینی برای این رفتارهای بزهکارانه تعیین شد. در نگرش اقتصادی، این نوع جرم انگاری از جنبه‌های اثباتی، هنجاری و هزینه-فایده قابل بررسی است. در این مقاله سعی شده است ضمن بیان تحلیل‌های اقتصادی حقوق کیفری و رویکرد هزینه-فایده‌ای به آن (در گفتار نخست)، معیارهای جرم انگاری تحلیل اقتصادی حقوق کیفری (در گفتار دوم) بیان گردد و در نهایت، مجازات‌هایی که از دیدگاه تحلیل اقتصادی، برای جامعه بهینه و کم هزینه است، بررسی شود.

الف) تحلیل‌های اقتصادی حقوق کیفری

تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، نگرش اثباتی و هنجاری به پدیده بزهکارانه دارد. این تفکیک در نحوه نگرش در فعالیت‌های دو مکتب اقتصادی شیکاگو و ییل، ریشه دارد. مکتب شیکاگو تا اواخر ۱۹۶۰، نگرش اثباتی به پدیده‌های اجتماعی و قواعد حقوقی داشت و نحوه تاثیر گذاری قواعد حقوقی بر روی فعالان اقتصادی را مورد مطالعه قرار می‌داد و آن را کارآمدترین روش برای شناخت و پیش‌بینی رفتارهای انسانی می‌دانست. در مقابل، مکتب ییل یا سبک ییل^۱ نگرش هنجاری دارد و از قواعد اقتصادی برای تغییر در نحوه نگرش به قواعد حقوقی کمک می‌گیرد. روش‌های اقتصادی به مدد قانونگذار می‌آید تا آنچه درست است و باید در جامعه باشد، پیش‌بینی شود. از سوی دیگر، تحلیل اقتصادی حقوق، رویکرد هزینه-فایده به کلیه مسائل اجتماعی دارد. رویکردی که در آن قبل از انتخاب هر واکنشی، هزینه‌ها و منافع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا سیاستی برای اجرا انتخاب شود که با منابع موجود در جامعه تناسب داشته باشد.

۱. تحلیل اثباتی

تمایز میان علم اقتصاد اثباتی و هنجاری، میان اقتصاد علمی و توصیه‌های علمی در مورد مسائل سیاست‌گذاری اقتصادی، حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد و ریشه‌های آن به آثار ناسو سینیور و جان استوارت میل باز می‌گردد.^۲

1. Yale-Style

۲. مارک بلاگ، روش شناسی علم اقتصاد، ترجمه دکتر غلام رضا آزاد(ارمکی)، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰.

حقوقدانان همچون اقتصاددانان با دو نگرش اثباتی و هنجاری به تحلیل مسائل و پدیده های اجتماعی می پردازند. نگرش اثباتی به تحلیل وضعیت موجود قوانین در جامعه می پردازد. بدینسان، سولاتی مطرح می شود از قبیل اینکه چرا قانون مبارزه با مواد مخدر نتوانسته از ارتکاب این جرایم جلوگیری نماید یا چرا قانون موجود راهنمایی و رانندگی نتوانسته از ارتکاب تخلف رانندگی جلوگیری کند. پاسخ هایی که به این سوال ها داده می شود، تبیین کننده وضعیت قوانین موجود در نظام حقوقی است. این نوع نگرش را که در واقع تبیین کننده و توصیف کننده وضعیت های موجود در جامعه است، نگرش اثباتی می گویند.^۱

نگرش اثباتی با فعالیت های مکتب شیکاگو و به ویژه، با انتشار کتاب تحلیل اقتصادی حقوق تألیف ریچارد ا. پاسنر^۲ در سال ۱۹۷۰ اهمیت فراوانی یافت. از دیدگاه پاسنر، نگرش اثباتی این برتری را نسبت به نگرش هنجاری دارد که کمتر می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. زیرا، نگرش اثباتی صرفاً محرک های تاثیر گذار بر روی افراد و نهادها اجتماعی را بیان و پیش بینی می کند. همچنین، این نگرش، افراد و نهادها را به سوی قواعد حقوقی جایگزین هدایت می کند، قواعدی که دارای ساختار کارایی پارتویی یا کالدور_هیكسی هستند.^۳

در نگرش اثباتی تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، دو سوال اساسی مطرح می شود: نخست، سیاست جنایی به کار گرفته شده از سوی نظام عدالت کیفری چه اثری در جامعه داشته است؟ آیا سیاست جنایی توانسته کارایی اقتصادی را در خود وارد سازد، به عبارت دیگر، آیا از هزینه های اجتماعی جرایم کاسته است؟ برای مثال، پس از تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، طرف های دیگر معامله (بزهکاران) چه واکنشی به آن نشان دادند؟ آیا چارچوب این قانون به گونه ای تنظیم شده بود که دستگاه های اجرایی بتوانند، قواعد آن را برای رسیدن به کارایی تفسیر کنند؟

دوم اینکه، اگر دستیابی به کارایی تنها هدف یک قانون باشد، در این صورت با کدام معیار کارایی باید به قانون نگاه کرد و چگونه قانون می تواند کارایی را در خود بگنجاند.^۴ در حال حاضر یکی از مهمترین مناقشات در مورد نحوه استفاده از این معیار در حقوق کیفری کشورهای دارای نظام حقوق نوشته است. زیرا، برخلاف کشورهای کامن لا که محاکم در اتخاذ

۱. گریگوری منیگو، مبانی علم اقتصاد، ترجمه دکتر حمید رضا ارباب، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۹، ص ۴۲.

2. Economic Analysis of Law

3. Francesco Parisi & Jonathan Klick, **Functional Law And Economics: The Search For Value-Neutral Principles Of Lawmaking**, This paper was Presented at the Special Workshop on Law and Economics and Legal Scholarship, 21st IVR World Congress, Lund, Sweden, August 12-18, 2003, p. 433-434.

4. Jon D. Hanson, Kathleen Hanson & Melissa R. Hart, **Law and Economics**, Harvard Law School Public Law & Legal Theory Working Paper Series Paper No. 10-14, 2009, p300. <http://ssrn.com/abstract=1529806>.

تصمیم آزادی دارند و پایبند مقررات خاصی نیستند و می‌توانند قانون را با معیار کارایی تفسیر نمایند (زیرا، کارایی در این کشورها به مثابه انصاف است)، در کشور های دارای حقوق نوشته این امر تا حدودی مشکل است، زیرا اصل قانونی بودن اجازه چنین امری را به محاکم نمی‌دهد.^۱ ولی این بدان معنا نیست که تحلیل اقتصادی حقوق، در نظام حقوق نوشته دارای کاربرد نیست. در این کشورها قانونگذار از یک سو می‌تواند از معیارهای تحلیل اقتصادی برای ارزیابی رفتارها، هزینه‌ها و نحوه تخصیص منابع استفاده کند و از سوی دیگر به هنگام تصویب قوانین این معیارها را در بطن آنها پیش‌بینی نماید. برای مثال، قانونگذار در اصلاح قانون مواد مخدر ۱۳۷۶ اقدام به جرم‌انگاری استفاده از مواد روان‌گردان نکرده بود. این امر سبب گردید که مرتکبان جرایم مواد مخدر در واکنش به ممنوعیت های به وجود آمده به سمت فعالیت در زمینه مواد روان‌گردان صنعتی غیر دارویی روی آورند، تا اینکه قانونگذار با توجه به این نوع واکنش به محرک های ایجاد شده (قوانین سابق مواد مخدر) اقدام به تصویب بند دوم^۲ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ کرد. اما از دیدگاه اثباتی، تصویب این تبصره واکنش بزهکاران را در پی خواهد داشت. از این رو، تحلیل اثباتی باید به پیش‌بینی این واکنش‌ها پردازد تا تدابیر لازم را براساس این پیش‌بینی‌ها برای عملی کردن بهتر این قانون به قانونگذار پیشنهاد کند. از سوی دیگر، اجرای این قانون نیازمند هزینه‌هایی است. در نتیجه، تحلیل اثباتی با ارزیابی این هزینه‌ها به جامعه در تخصیص بهتر منابع برای رسیدن به کارایی کمک می‌کند.

1. Nuno Garoupa Carlos Gomez Liguerra, **The Syndrome of the Efficiency of the Common Law**, Boston University Journal of International Law, Vol. 29, No. 2, 2011, p. 12.

۲. امروزه دکترین حقوقی و رویه های قضایی نقش بسزایی در تحول حقوق پیدا کرده اند. «هیچ حقوقدانی دیگر فکر نمی‌کند که فقط متون قانونی برای شناخت حقوق کافی است. حتی در رشته حقوق کیفری که در آن اصل قانونی بودن مجازات‌ها ظاهراً می‌تواند این باور را توجیه کند، اختیارات گسترده ای که به قضات یا مقامات اداری برای تعیین مجازات‌ها و اعمال آن داده شده است، در واقع حقوق را به گونه ای گسترده به آرمان کسانی که اجرای آن را بر عهده دارند وابسته می‌کند.» (رنه داوید، کامی ژوفره اسپینوزی، **درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر**، ترجمه و تلخیص دکتر سید حسین صفایی، انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۶۹-۷۰).

۳. تبصره دو به شرح زیر به ماده ۱ قانون الحاق گردید: تبصره - رسیدگی به جرائم مواد روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی تابع مقررات رسیدگی به جرائم مواد مخدر می‌باشد.

اقتصاد اثباتی رفتار انسان ها و نتایج رفتار های اجتماع را بر مبنای نظریه عقلانیت و با پیش فرض اینکه رفتار انسان ها عقلانی است، بیان کرده و آنها را پیش بینی می کند. فرض عقلانیت نظریه اثباتی نیازمند دو عنصر عقلانیت شناختی^۱ و عقلانیت انگیزشی^۲ است. عقلانیت شناختی بیانگر مجموعه ای از اولویت ها است که دارای ویژگی انتقال پذیری و کمال هستند و افراد از بین این اولویت ها بر اساس اطلاعات مربوط به آن و با استفاده صحیح از قواعد احتمال دست به انتخاب می زنند.

عقلانیت انگیزشی بیان می کند که افراد افزایش رفاه خود را دنبال می کنند. این عقلانیت، نوع دوستی بین افراد (به خاطر اینکه انجام عمل را مخالف با رفاه دیگران تلقی می کند) و آرمان گرایی و مشارکت را (در جایی که منافع افراد با منافع جامعه تعارض پیدا می کند) رد می کند.^۳

از این دیدگاه، انسان ها در یک بازار اجتماعی در حال زندگی هستند؛ بازار حالت رقابتی دارد و افراد به دنبال افزایش سود خود هستند. در چنین حالتی رفتارهایی که افراد از خود بروز می دهند، آنها را گاهی در مقام عرضه کننده و گاهی در مقام تقاضا کننده قرار می دهد. برای مثال، رفتار حمل پول در خیابان با کیف دستی وضعیتی است که عامل را در مقام عرضه کننده موقعیت بزهکارانه قرار می دهد. وضعیتی که واکنشی چون کیف قاپی را از سوی برخی دیگر از افراد به دنبال خواهد داشت.

تحلیل اقتصادی اثباتی اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ از دو بُعد قابل اعمال است: نخست، تصویب این قانون چه واکنشی را از سوی طرف بازاری (بزهکاران بالقوه) به دنبال خواهد داشت. سیاستگذار، با تجربه ای که از تصویب قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ کسب کرده، دریافته است که افراد به محرک ایجادیه به گونه های مختلفی از خود واکنش نشان خواهند داد و واکنش طیف های معتادان و مرتکبان این جرایم و جامعه به عنوان یک کل، متفاوت خواهد بود. تحلیل اثباتی با روش ها و ابزار های اقتصادی و با فرض رفتار عقلانی از سوی این طیف ها به پیش بینی رفتارهای آنها دست می زند.

ثانیاً، آیا ساختار اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، معیار کارایی را در خود دارد؟ تحلیل اثباتی مدعی است که قواعد حقوقی ریشه های اقتصادی

1. Cognitive Rationality

2. Motivational Rationality

3. Eyal Zamir & Barak Medina, *Law, Economics, and Morality*, Oxford University Press, 2010, p.11.

دارند، به عبارت دیگر، کارایی به عنوان یک هدف اجتماعی توسط قانونگذار در قوانین گنجانده شده است و قاضی باید در رسیدگی به پرونده‌ها به آن به عنوان یک ارزش اجتماعی والا بها دهد.^۱

۱-۱. نقد تحلیل اثباتی

منتقدان دو انتقاد عمده را به تحلیل اثباتی حقوق وارد می‌آورند. اول اینکه، مردم همواره آن گونه که اقتصاددانان انتظار دارند، رفتار نمی‌کنند. دیگر اینکه پیش‌بینی‌های تحلیل اثباتی کمتر آزمایش و بررسی می‌شود و یا زمانی که مورد آزمایش قرار گرفته است، نتیجه غیر قابل اعتماد بودن این پیش‌بینی‌ها را نشان داده است.^۲ به طور کلی نقدهای وارد بر این نوع تحلیل عبارتند از:

۱-۱-۱. این پیش‌فرض که افراد ترجیحاتی درباره هر کدام از وضعیت‌های ممکن در دنیا دارند، که پیش شرط پی بردن به خواسته‌ها و تمایلات ایشان است قابل قبول نیست. برخی از منتقدان بیان می‌کنند که این پیش‌فرض که بزهکار به دلیل ارتباط با الگوهای بزهکارانه به سمت بزهکاری سوق پیدا می‌کند و از الگوها و هنجارهای ضد بزهکاری جدا می‌شود، قابل قبول نیست. نظریه‌ای که در نتیجه آن، ترجیحات انسان به یک سلسله اطلاعاتی که از الگوی انتخابی وی بدست می‌آید، محدود می‌شود. اطلاعاتی که دنیای بزهکاری آنها را در ذهن فرد درونی می‌سازد و سپس به سازماندهی آنها می‌پردازد. بدینسان، گروهی از افراد پایبند به ارزش‌ها و هنجارها باقی می‌مانند و عده‌ای از هنجارهای جامعه تخطی می‌کنند.

همچنین، این دیدگاه با نظریه اجرای حقوق کیفری مطابقت ندارد، زیرا در این نظریه، سود حاصل از رفتار بزهکارانه به عنوان یک متغیر خارجی در نظر گرفته می‌شود. بدین‌سان، افراد مختلف با عضویت در گروه‌های مختلف سود‌های مختلف به دست می‌آورند. افرادی که پای بند قانون هستند مرتکب بزه نمی‌شوند، زیرا، سود حاصل از این گونه رفتارها برایشان بسیار کم و حتی منفی است. در مقابل، عده‌ای که پایبند هنجارهای اجتماعی نیستند، مرتکب بزه می‌شوند، زیرا سود اکتسابی از این رفتارها زیاد است. با تغییر در احتمال و شدت مجازات، برخی از افراد رفتارهای خود را با توجه به تغییرات ایجاد

1. Thomas J. Miceli, *The Economic Approach To Law*, Stanford, California, 2004, p.2.
2. Anthony Ogus, *Legal Theory Today Costs and Cautionary Tales*, Oxford and Portland, Oregon, 2006, p. 24.

شده درحاشیه^۱، تغییر می دهند. در نتیجه، تنها اگر عده ای از مردم به تغییرات رخ داده در احتمال و شدت مجازات واکنش نشان دهند، بدین معناست که افراد به تغییرات رخ داده در حواشی واکنش نشان می دهند.

۱-۱-۲. این پیش فرض که افراد به دنبال افزایش سود خود هستند، نیز قابل انتقاد است. بیشتر افراد با هدف افزایش ثروت و سود و دستیابی به خوشبختی بیشتر مرتکب برخی رفتارها می شوند. هرچند، در انتقاد می توان گفت که بیشتر بزهکاران قدرت عقلانی لازم برای شناخت مسائل را ندارند. آنها نمی توانند منافع نهایی خود را با هزینه های نهایی مقایسه کنند، اما به هنجارهای اجتماعی که در طول زندگی آنها را درونی سازی کرده اند، پاسخ می دهند.

اولاً، این فرض که بزهکاران با انگیزه افزایش سود، تصمیم به ارتکاب بزه می گیرند، مورد انتقاد واقع شده است. برخی از منتقدان می گویند تناقض هایی بین سود مورد انتظار و تصمیمات واقعی دیده شده است. محققان امروزه بیشتر به دنبال یافته هایی هستند که عدم تاثیر نظریه سودمندی را به عنوان ابزاری برای پیش بینی رفتار انسان ها اثبات کنند. هرچند، این امر به این معنا نیست که نظریه های جایگزین در عمل بهتر از نظریه تحلیل اقتصادی خواهند بود.

ثانیاً، انجام چنین مقایسه ای برای ارزیابی و سنجش سود و هزینه پیچیدگی های خاصی دارد که همه افراد قادر به انجام آن نیستند، به طوری که بیشتر افراد برای ارزیابی ها خود از روش های مقایسه ای دیگران استفاده می کنند. روشی که ممکن است در آن هزینه های غیر ممکن یا اضافی در محاسبه بهینه سازی شود، به گونه ای که در این بهینه سازی تابع هدفی متفاوت از اصل سود مورد انتظار اولیه باشد. معمولاً، زمانی که اقتصاددانان فرض را بر عقلانیت بزهکاران می گذارند، روانشناسان و جامعه شناسان از عقلانیت محدود^۲ سخن می گویند. عقلانیتی که شکل ضعیف شده عقلانیت مطلق است و می گوید بزهکاران به خطرات و منافع رفتارها حساسیت نشان می دهند، اما قادر به ترکیب بهینه این اطلاعات نیستند. برخی از محققان بر این باورند که بزهکاران عمدتاً شخصیتی انعطاف پذیر و بی ثبات دارند و در آنها ارتکاب بزه با وظایف که بر عهده دارند و مشکلات شخصیتی در ارتباط است.

1. Marginal
2. Limited Rationality or Bounded Rationality

۱-۱-۳. فرض بازار برای ارزش های اخلاقی مغایر با اصول انسانی است. در نگرش اثباتی، بازار نقش اساسی در پیش‌بینی و پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه دارد. از این دیدگاه، رفتار بزهکارانه رفتاری است که باعث انجام معامله اجباری می‌شود؛ رفتاری که بزه‌دیده را وادار می‌کند کالایی را بدون اراده به بزهکار منتقل کند.^۱ بدین‌سان، حقوق کیفری ابزاری برای باز داشتن از نقض قواعد بازار و تبدیل معامله اجباری به معامله ارادی است.

منتقدان بیان می‌کنند که این نوع رویکرد بازاری به حقوق کیفری مخالف با ارزش‌های والای انسانی است. زیرا، در آن انسان و ارزش‌ها انسانی به مثابه کالایی در نظر گرفته می‌شود که قابل قیمت‌گذاری و معامله است. در این صورت هر کس قیمت بیشتری را پرداخت کند می‌تواند به راحتی آن را به دست آورد.^۲

۲. تحلیل هنجاری

ریشه‌های تحلیل اقتصادی هنجاری به مکتب ییل یا سبک ییل در اوایل دهه ۱۹۷۰ بر می‌گردد. از دیدگاه این مکتب قواعد حقوقی را باید در جهت رفع نواقص موجود در بازار تغییر داد. این اصلاحات، تا حدی لازم است که بتوان به آنچه برای جامعه مطلوب است، دست یافت.

اقتصاددانان، با نگرش هنجاری یا دستوری به مطالعه آنچه شایسته است باشند، می‌پردازند. کمر بند ایمنی برای حفاظت از جان افراد در حوادث خوب است، بنابراین شایسته است که از سوی قانونگذار مورد حمایت واقع شود. مواد روان‌گردان سبب مشکلات روانی و خلقی در افراد می‌شود، بنابراین، شایسته است که قانونگذار استعمال آن را ممنوع نماید. کودکان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند در نتیجه شایسته است قانونگذار آنها را حمایت کند.^۳ (چنان که قانونگذار در ماده ۳۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ با این نگرش به موضوع پرداخته است)

۱. مهدی یادی پور، مقدمه ای بر حقوق و اقتصاد، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳، همچنین نگاه کنید به: Richard A. Posner, *op.cit*, p.p.1195-1196-1197.

2. Mark A. Cohen, *The Costs of Crime and Justice*, Routledge, 2005, p. 3.

۳. نمونه بارز این نوع نگرش را می‌توان در ماده ۱۸ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مشاهده کرد که «هرکس برای ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی

تحلیل اقتصادی هنجاری درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است: نخست، آیا کارایی باید تنها هدف قانون باشد؟ آیا سیاست جنایی نیز باید هدف خود را کارایی بداند یا به سایر اهداف (اصلاح، بازپروری) توجه داشته باشد؟ ثانیاً، در صورتی که هدف کارایی باشد، تغییر در قوانین تا چه اندازه برای دستیابی به آن مجاز است؟^۱

اقتصاددانان تحلیل هنجاری را تحلیل نتیجه‌گرا نیز می‌گویند، زیرا هدف این تحلیل آن است که مطلوبیت یا عدم مطلوبیت رفتارها، قواعد و سیاست‌ها را با توجه به نتایج آنها ارزیابی کند. از سوی دیگر، این نوع از تحلیل از عوامل تاثیر گذار بر روی رفاه جامعه برای توجیه تحلیل‌های خود استفاده می‌کند. بدینسان، عواملی که بر مطلوبیت افراد اثر می‌گذارند بر میزان رفاه افراد نیز تاثیر دارند.^۲

هرچند، پاسنر طرفدار تحلیل اثباتی است اما اهمیت تحلیل هنجاری را نیز رد نمی‌کند. برای مثال، معتقد است که تحلیل اثباتی در حقوق کیفری اثرات مختلف ضمانت اجراها را بر بزهکاران بیان و پیش‌بینی می‌کند. تحلیل اثباتی به ما کمک می‌کند تا تعیین کنیم که ضمانت اجراهای اعدام یا حبس اثر بازدارندگی بیشتری بر روی جرایم مواد مخدر دارد، اما این بدان معنا نیست که بگوییم حتماً این قانون با این ضمانت اجرا باید تصویب شود. بلکه در این جا تحلیل هنجاری است که تعیین می‌کند که آیا تصویب این قانون برای جامعه سود خواهد داشت یا نه؟ برای مثال، ماده ۱۷ الحاقی اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ با پیش‌بینی واکنش بزهکاران که عبارت است از عدم ارتکاب وارد کردن و خارج ساختن مواد مخدر به دلیل ترس از نتایج آن، مبادرت به جرم‌انگاری این رفتار کرده است. (تحلیل اثباتی) اما تشخیص اینکه آیا تصویب این ماده به صلاح است

مالی یا سرمایه‌گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود.» قبل از تصویب این ماده افرادی با تشکیل باندهای مافیای مواد مخدر به سرکردگی یا ریاست در این باندها می‌پرداختند و به دلیل نقصان قوانین به راحتی از مجازات فرار می‌کردند و سود زیادی را به دست می‌آوردند. بدینسان، قانونگذار برای جلوگیری از این نقض به وجود آمده در بازار به جرم‌انگاری این رفتار دست زد.

1. Jon D. Hanson, Kathleen Hanson & Melissa R. Hart, **Law and Economics**, Harvard Law School Public Law & Legal Theory Working Paper Series Paper No. 10-14, 2009, p300. <http://ssrn.com/abstract=1529806>.

2. Eyal Zamir & Barak Medina, **Law, Economics, and Morality**, Oxford University Press, 2010, p12.

یا نه و یا اینکه شمول این ماده به اتباع خارج از ایران نیز تعمیم یابد یا خیر، با نگرش هنجاری است.^۱

تحلیل هنجاری دربرگیرنده دو مفهوم اساسی است: نخست، کارایی یا عدم کارایی. آنچه اقتصاددانان از بررسی قواعد حقوقی با قالب اقتصادی دنبال می‌کنند، چیزی جز دست‌یافتن به کارایی نیست، بدون اینکه معنای آن را به خوبی چه از نظر فنی و چه از نظر عرفی برای افراد بیان کنند.

ثانیاً، ضابطه و معیار رفاه اجتماعی باید مشخص گردد تا بتوان بینش صحیحی از کارایی را در ذهن تداعی نمود. اگر ضابطه یا معیاری نشان دهد که سیاست جنایی سرکوبگر از لحاظ اقتصادی برای جامعه خوب است، نمی‌توان گفت که این ضابطه و معیار، کارایی قانون را نیز نشان خواهد داد و اینکه قواعد حقوقی همواره رفاه افراد را دنبال می‌کنند.^۲

تحلیل اقتصادی حقوق هنجاری، قضاوت‌های ارزشی درباره اینکه چه چیزی از نظر اقتصادی خوب است یا اینکه قواعد و نهادهای حقوقی باید چگونه ساختار بندی شوند تا به کارایی مورد نظر دست یازد، را می‌طلبد. اما، مفهوم کارایی در تحلیل اقتصادی حقوق ابهام دارد. در معنای عرفی، کارایی عبارت است به حداکثر رساندن و نقطه مقابل آن به حداقل رساندن چیزی است. به عبارت دیگر، به حداکثر رساندن رفاه یا ثروت برای اشخاص یا شرکت‌ها. از سوی دیگر، معنای اقتصادی آن عبارت است از کارایی در بهروری یا به حداکثر رساندن بهروری عمومی.^۳ اما آیا قواعد ناظر به یک شرکت یا افراد خاص که منجر به افزایش کارایی آن شرکت یا افراد می‌شود، می‌تواند برای کل جامعه نیز کارآمد باشند؟ در پاسخ باید گفت که این چنین نیست. زیرا، هر فردی در جامعه به دنبال افزایش سود خود در جامعه است. در حالی که کارایی مورد نظر، منجر به افزایش رفاه کل جامعه (کارایی جمعی)^۴ و نه گروه‌های خاصی از اعضای آن می‌گردد.

۱. ماده ۱۷ به شرح زیر به قانون الحاق گردید: «ماده ۱۷- چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور نمایند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع‌الخروج می‌شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع‌الخروج می‌شوند. صدور هرگونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرائم موضوع این قانون محکوم شده‌اند مشمول ممنوعیت موضوع این ماده می‌باشد».

2. Anthony Ogas, **op. cit.**, 2006, p26.

3. X-Efficiency

4. Allocatively Efficient

اقتصاددانان، از دو معیار پارتو و کالدور_هیکس برای ارزیابی رفاه جامعه استفاده می‌کنند. معیار پارتو ناظر به وضعیتی است که بهتر شدن وضعیت (یا حقوق) فرد یا گروهی از افراد باعث ایجاد تغییر و بدتر شدن وضعیت (یا حقوق) فرد یا افراد دیگر می‌شود. در این صورت هر کدام از اعضای جامعه می‌توانند به این تغییر وضعیت اعتراض نمایند و خواستار اعاده وضعیت سابق شوند. اما، کارایی کالدور_هیکس در جایی است که سود حاصل از تغییر در وضعیت (یا حقوق) افراد بیشتر از زیان‌های آن است.^۱

معیار کارایی، در اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ از دو بُعد قابل اعمال است: نخست، از یک دیدگاه، این اصلاحیه میزان رفاه برخی از اعضای جامعه را نسبت به قانون سابق پایین می‌آورد. دامنه اعمال این قانون در تبصره بند دوم الحاقی به ماده اول، ماده ۱۷، ماده ۱۸ و ماده ۳۵ این اصلاحیه که دامنه رفتارهای بزهکارانه را افزایش می‌دهد، بیشتر شده است. از سوی دیگر، تصویب تبصره ۲ ماده ۱۵ دولت را مجبور به تحمل هزینه‌هایی برای درمان بزهکاران می‌کند، هزینه‌هایی که دولت باید همه ساله از بودجه عمومی بدان اختصاص دهد، حال آنکه می‌توان آنها را برای افزایش میزان رفاه کل جامعه به کار برد. اما، معیار پارتویی در این جا با این انتقاد روبرو است که مانع از تحول قوانین با توجه به تحول جامعه می‌گردد. از سوی دیگر قوانین کیفری جنبه آمرانه دارند و افراد بایستی از آن تبعیت کنند، حتی در صورتی که از میزان رفاه آنها کاسته شود.

اقتصاددانان در پاسخ به این انتقادات، معیار کالدور_هیکس را پیشنهاد می‌دهند، بدین شرح که اگرچه قانونگذار سیاستی را در پیش می‌گیرد که وضعیت عده‌ای از حالت سابق بدتر می‌شود، اما سودی که از این تغییر به دست می‌آید به میزانی است که بتواند خسارت را جبران کند. در نتیجه، تبصره بند اول، ماده ۱۷، ماده ۱۸، ماده ۳۵ و سایر مواد اصلاحی را می‌توان با معیار کالدور_هیکس تطبیق داد.

تحلیل هنجاری، قانون را ابزاری برای اصلاح نقض‌های پدیدار شده در بازار می‌داند. بر اساس تحلیل هنجاری، رعایت ارزش‌های اجتماعی در ایجاد قواعد حقوقی الزامی است. تحلیل هنجاری، کارایی و رسیدن به آن را هدف اصلی قانون می‌داند، به نحوی که قانون باید منعکس‌کننده آن باشد و قواعد حقوقی باید تا آنجا که ممکن است، تغییر داده شوند تا به کارایی لازم برسند.^۲

۱. دکتر یدالله دادگر، مولفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۸۷-۲۸۸.

2. Thomas J. Miceli, *op.cit.*, p.3.

۳. تحلیل هزینه_فایده

اقتصاددانان، تحلیل هزینه-فایده را عبارت از بررسی چگونگی اتخاذ یک تصمیم اقتصادی از طریق مقایسه هزینه های انجام کار با منافع ناشی از آن می دانند.^۱ تحلیل هزینه-فایده یکی از روش های ارزیابی در اقتصاد خرد است که به قانونگذار کمک می کند تا میزان دقیق سود مالی ناشی از هزینه های اجتماعی را به دست آورد. تحلیل هزینه_فایده در ابتدا سود مالی ناشی از ارزش هایی اجتماعی را محاسبه می کند و سپس آن را با هزینه های مالی مورد مقایسه قرار می دهد. برای مثال، در بند دوم اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ تبصره ای در خصوص جرم انگاری مواد روان گردان به قانون اضافه شده است. از نظر اقتصادی، در زمان تصویب این تبصره باید به دو نکته اساسی توجه کرد: نخست، اجرای این تبصره چه هزینه های برای دولت، دستگاه های اجرایی و قوه قضائیه خواهد داشت؟ ثانیاً آیا تصویب این تبصره منفعتی برای جامعه دارد؟ آیا در مقایسه بین منافع و هزینه ها، میزان منافع بر هزینه غلبه می کند؟^۳

به کارگیری تحلیل هزینه_فایده در مسایل حقوق کیفری با مناقشات زیادی روبرو است. از جمله اینکه اخلاق گرایان می گویند نمی توان ارزش های اخلاقی را با معیارهای پولی سنجید و بر روی آنها قیمتی گذاشت.

اینکه چه ابزارهایی برای مقابله با جرم باید تدبیر شود به سیاستگذاری های جامعه و منابعی که در اختیار دارد، بر می گردد. عموماً دو نوع طرز فکر در زمینه سیاستگذاری قوانین کیفری در جوامع وجود دارد. برخی از حقوقدانان معتقدند که سیاست های کیفری جامعه

1. Matthew Bishop, **Essential Economics**, Published by Profile Books Ltd 58A Hatton Garden, London e1n 8lx p.57, 2004.

2. Richard Fowles, Edward C. Byrnes & Audrey O. Hickert, **The Cost of Crime : A Cost/Benefit Tool for Analyzing Utah Criminal Justice Program Effectiveness**, Commission on Criminal and Juvenile Justice & Criminal and Juvenile Justice Consortium, University of Utah, 2005, p.4.

۳. هزینه های که تصویب این مصوبه از نظر اقتصادی می تواند داشته باشد عبارت است از: هزینه های پلیس برای کشف و دستگیری مرتکبان این جرایم، هزینه های دادرسی برای تشکیل پرونده و تحقیقات، هزینه های تشکیل دادگاه و در نهایت هزینه اجرای آرای محاکم. علاوه بر این هزینه می توان هزینه های اقداماتی که برای پیشگیری از این جرایم می شود و همچنین هزینه های درمانی را نیز بدان افزود. در مقابل، هزینه ها انجام شده منافع بدست می آیند که عبارتند از: افزایش رفاه جمعی جامعه، جلوگیری از دست رفتن هزینه فرصت در آینده، افزایش بهره‌وری در جامعه، جلوگیری از، از دست رفتن فرصت تحصیلی، پیشگیری از ارتکاب جرایم بیشتر.

باید بر اساس منافع جامعه اولویت بندی شوند. بدین ترتیب، منافع مهمتر در اولویت‌های بالاتر قرار گرفته و در نتیجه حمایت‌های بیشتری را می‌طلبند. طرفداران این نوع سیاستگذاری مجموعه‌ای از منافع که جامعه باید از آنها حمایت نماید، را فهرست بندی کرده و سیاست‌های کیفی را بر اساس آن تنظیم می‌کنند.

ثانیاً، تحلیل هزینه-فایده چارچوب ساده برای ارزیابی سیاست‌هاست. در این نوع از تحلیل، سیاستی که سود آن برای جامعه بیشتر از هزینه آن است، انتخاب می‌شود. هزینه عبارت است از نتیجه نامطلوبی که در سیستم ایجاد می‌گردد و یا نتیجه مطلوبی که در سیستم از وقوع آن ممانعت می‌شود. سود به نتیجه مطلوبی گفته می‌شود که در سیستم ایجاد می‌گردد یا نتیجه نامطلوبی که سیستم از وقوع آن جلوگیری به عمل می‌آورد.^۱ برای مثال، در مدل هزینه-فایده مجازات حبس هزینه زیادی برای مردم و دولت دارد. بنابراین، دارای نتیجه نامطلوب بودجه‌ای برای دولت است. اما از دیدگاه جرم‌شناسی، مجازات حبس اثر ارعابی و اصلاحی بر روی بزهکاران دارد. بنابراین در عین داشتن نتیجه نامطلوب دارای نتیجه مطلوب نیز است.

در تحلیل سود مجازات حبس باید اذعان داشت که سود ناشی از این مجازات به مراتب کمتر از مجازات‌های دیگر همچون جزای نقدی برای دولت است. نتیجه نامطلوب مجازات حبس، سیستم را بر آن می‌دارد که از اعمال چنین مجازاتی خودداری کند. در عوض، مجازات جزای نقدی نتیجه مطلوب برای جامعه و دولت دارد. در نتیجه، تحلیل سود سیستم از اعمال هرچه بیشتر این مجازات حمایت می‌کند.

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، هر سیاست کیفی که مجازاتی را تجویز کند، به طور ناخواسته از میزان رفاه جمعی جامعه می‌کاهد. در نتیجه، سیاستگذاری را در زمینه حقوق کیفری به متولیان مربوطه پیشنهاد می‌دهد که در آن به کارگیری ضمانت اجراها به عنوان آخرین راهکار شناخته شود. چنانکه ماده ۱۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶^۲ چنین نگرشی به موضوع داشته است.

۱. دکتر سید مهدی الوانی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۷۹، ص ۴۸.

۲. ماده ۱۵- معنادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معنادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نمایند، چنانچه تجاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معنادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد نمایند، مجرمند.

همچنین، این مصوبه برای تشویق و ایجاد محرک‌هایی برای درمان حالت اعتیاد، کلیه اقدامات درمانی را تحت پوشش بیمه^۱ قرار می‌دهد. زیرا، در صورتی که در همان ابتدا به جرم انگاری این حالت بزهکارانه می‌پرداخت، علاوه بر هزینه‌های نگهداری این افراد بایستی هزینه‌هایی درمانی آنها را نیز متقبل می‌شد. علاوه بر این، هزینه‌های برای دستگاه دولتی چون پلیس، دادسرا و دادگاه نیز در پی داشت.

قلمرو مداخله تحلیل هزینه-فایده در سیاستگذاری را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود:

۳-۱. **کارآمدی تولید**^۲، یکی از قدیمی‌ترین موارد استفاده از تحلیل‌های هزینه-فایده برای ارزیابی کارآمدی تولید یک کالا در بازار است.^۳ برای مثال، تولید مجازات‌های بینابین و عرضه آن به جامعه کارآمدی لازم را دارد؟ میزان هزینه‌های اجرایی این مجازات‌ها برای جامعه در مقایسه با سایر مجازات‌ها چقدر است؟ آیا این مجازات‌ها قابلیت این را دارد که میزان رفاه افراد و جامعه را ارتقا بخشد؟ تبصره بند ۲ الحاقی به ماده اول و مواد ۱۷، ۱۸ و ۳۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ اقدام به تولید یک رفتار بزهکارانه نموده است. رفتار بزهکارانه‌ای که پیشگیری و مبارزه با آن هزینه‌هایی برای جامعه و دولت دارد.

۳-۲. **مداخله دولت در انحصار بازار**^۴، یکی از معمول‌ترین استفاده‌ها از تحلیل‌های هزینه-فایده برای کمک به دولت در زمینه مقابله با انحصار است. این مداخله به دو صورت وضع مالیات و مقررات گذاری به عمل می‌آید. مقررات گذاری در جایی است که میزان رفاه جامعه کمتر از حد معمول است و باید میزان عرضه کنندگان در بازار افزایش یابد. برای مثال، در حقوق کیفری دولت می‌تواند با مقررات گذاری در زمینه پیشگیری از جرم در انحصار جرم، به ویژه، انحصار موقعیت‌های مجرمانه‌ای که باعث افزایش میزان جرایم شده است، مداخله نماید.^۵ از این رو، مواد ۱۷ و ۳۵ الحاقی با پیش‌بینی مجازات برای

۱. ماده ۱۵- تبصره ۲- وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است ضمن تحت پوشش درمان و کاهش آسیب قراردادن معتادان بی‌بضاعت، تمام هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه‌های پایه و بستری قرار دهد. دولت مکلف است همه‌ساله در لوایح بودجه، اعتبارات لازم را پیش‌بینی و تأمین نماید.

2. Product Viability

3. John Roman & Graham Farrell, **Cost-Benefit Analysis For Crime Prevention: Opportunity Costs, Routine Savings and Crime Externalities**, at: Evaluation for crime Prevention, editor Nick Tilley, Willan Publishing Devon, UK, volume 14, 2002, p.60.

4. Government Intervention in a Monopoly Market

5. **Ibid**, p.60-61.

افرادی که مبادرت به این فعل می کنند، در کارکرد انحصاری بازار دخل و تصرف نموده است. همچنین، در بند دوم تبصره الحاقی به ماده اول، دولت را مکلف به جلوگیری از فعالیت های بازاری فروشندگان مواد روان گردان نموده و انحصار بازار را از دست آنها خارج کرده است.

۳-۳. **وضع مالیات**^۱، از جمله کاربرد های دیگر تحلیل های هزینه_ فایده برای وضع مالیات در جوامع است. متداول ترین سوال برای پرداخت کنندگان مالیات این است که آیا وضع مالیات باعث ایجاد رفاه اجتماعی خالص می شود؟^۲ آیا افزایش مالیات برای اجرای مجازات های بینابین به جای مجازات حبس سبب افزایش رفاه جامعه می شود؟ آیا آنچه در بند دوم ماده ۱۵ بیان شده است، تاثیری بر میزان مالیات افراد خواهد داشت. آیا این امر سبب افزایش مالیات ها نمی شود؟

ب) نظریه های جرم انگاری^۳

جرم انگاری رفتارهای اجتماعی از سوی دولت ها علل متفاوتی دارد. جرم انگاری می تواند ریشه های سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی داشته باشد. اما نحوه جرم انگاری و تعیین ضمانت اجراها پیچیدگی های خاص خود را دارد. سیاستگذار باید منابعی را که ممکن است به خاطر ممنوعیت رفتاری از دست برود یا هزینه هایی را که ممکن است به افراد تحمیل کند به خوبی محاسبه نماید.

متولیان امر سیاستگذاری امروزه به دلیل کمبود منابع به جای جرم انگاری های بهبوده به سمت جرم زدایی از برخی رفتارها روی آورده اند. حتی برخی از آنها علاوه بر سیاست عقلانی کردن جرم انگاری، برای فرار از هزینه های سنگین ضمانت اجراها، خواستار واکنش عقلانی به پدیده بزهکارانه نیز شده اند.^۴

حقوقدانان علل متفاوتی را برای جرم انگاری یک رفتار توسط قانونگذار بیان کرده اند. که برخی از آنها عبارتند از:

1. Taxation
2. Ibid, p.61.
3. Criminalization

۴. دکتر رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۷۳.

۱. اصل استقلال^۱ و رفاه فردی. این اصل بیان می‌کند که باید به اراده افراد احترام گذاشت و با آنها مانند افراد صلاحیت دار، در انتخاب فعل یا ترک فعل رفتار نمود. بر این اساس، افراد فاقد مسئولیت کیفری اند مگر اینکه توانایی و وقت منصفانه^۲ی برای پرهیز از رفتار بزهکارانه داشته باشند. این نظریه را هارت در کتاب خود با عنوان توانایی و مسئولیت مطرح می‌کند.^۳

۲. دومین معیار جرم‌انگاری از حقوق انگلیس و بخصوص دکترین آلمان نشأت می‌گیرد. بر اساس این دکترین، یک رفتار زمانی قابل جرم‌انگاری است که مهمترین منافع جامعه را مورد حمله قرار دهد. از دیدگاه حقوق آلمان، هدف اصلی حقوق کیفری حمایت از منافع و ارزش‌های حقوقی است. این دیدگاه، توسط وان هایش^۴ و جارنبرگ^۵ برای طبقه بندی منافعی که حقوق کیفری باید از آنها حمایت کند، مطرح شده است، اما به دلیل اینکه طبقه بندی ارزش‌ها امری پیچیده و مشکل است، این نظریه در عمل معیار دقیقی به قانونگذار در اینکه چرا باید از برخی ارزش‌ها حمایت کند، ارائه نمی‌دهد.^۶

۳. سومین معیار جرم‌انگاری، اصل زیان است. جرم‌انگاری برخی رفتارها برای پیشگیری از ورود صدمه یا زیان به شهروندان ضروری است. بدین‌سان، جرم‌انگاری در جایی صورت می‌گیرد که به منافع با ارزش جامعه لطمه وارد شده و دیگر کنترل‌های اجتماعی (حقوق مدنی، حقوق اداری) برای جبران خسارت وارده کافی نباشند.^۷

۴. سنتی ترین معیار جرم‌انگاری در جایی است که رفتار مجرمانه غیر اخلاقی^۸ است. هدف حقوق کیفری حمایت از اخلاق عمومی^۹ در جامعه است.^{۱۰}

کامل نبودن هر یک از این معیارها و عدم ارائه پاسخ‌های قانع کننده درباره اینکه چرا جامعه برخی رفتارها را جرم می‌داند، سبب مطرح شدن دیدگاه‌های نوین در زمینه جرم‌انگاری شده است. تحلیل اقتصادی حقوق کیفری نیز در بطن این دیدگاه‌های نو قرار دارد که خود ضوابط جدیدی را برای جرم‌انگاری مطرح می‌نمایند.

1. Autonomy

2. Fair Opportunity

3. Roger Bowles, Michael Faure & Nuno Garoupa, **Scope of Criminal Law and Criminal Sanctions: an Economic View and Policy Implications**, Journal of Law and Society, Vol. 35, Issue 3, pp. 389-416, September 2008, p.10.

4. Von Hirsch

5. Jarenborg

6. *Ibid*, p.10.

7. *Ibid*, p.10.

8. Immoral

9. Public Morality

10. *Ibid*, p.10.

۱. قاعده درونی سازی هزینه ها^۱

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، حقوق کیفری زمانی کاربرد دارد که بازار با شکست مواجه شده باشد. شکست بازار^۲ زمانی رخ می دهد که بازار با زیان خارجی^۳ روبرو شود، یعنی، رفتار های زیان آور معینی داری اثر منفی برای اشخاص ثالث باشد، بدون اینکه اثری بر روی سود شخص متخلف یا بزهکار داشته باشد. در این جاست که حقوق می تواند محرک هایی (مثل مسئولیت در برابر رفتار) را ایجاد نماید که بر بزهکار و حتی تصمیم گیری او اثر بگذارد.^۴

بر اساس قاعده درونی سازی، جرم مصداقی از مفهوم اقتصادی هزینه های خارجی^۵ است. این نظریه را گاری بکر در مقاله خود درباره جرایم و مجازات ها با نگرش اقتصادی اقتصادی مطرح می کند. نگرشی که رفتار بزهکارانه را رفتاری می داند که سبب ورود خسارت به افراد و دولت می شود و از میزان رفاه جامعه می کاهد. از این رو، بکر معتقد است که حقوق کیفری باید زیان های اجتماعی وارده به جامعه را در مجازات ها وارد کند و زیان هایی که رفتارهای مجرمانه به بزه دیده و مجریان قانون وارد می کند، باید از بزهکار گرفته شود.^۶

1. Internalize Social Costs

2. Market Failure

۳. زیان های خارجی به دو گروه زیان های ناشی از فقدان تکنولوژی و پولی تقسیم می شود. زیان های ناشی از فقدان تکنولوژی سبب ورود زیان به شخص ثالث می شود، بدون اینکه شخص ثالث بدان رضایت داشته باشد. برای مثال، کارخانه ماشین سازی که ماشین بدون فن آوری ضد سرقت را به مشتریان تحویل می دهد، ناخواسته هزینه های پولی ناشی از فقدان این تکنولوژی را به مشتریان تحمیل می کند. در این حالت، کارخانه موظف می شود برای جبران خسارت مشتریان از قیمت کالای تولید شده، بکاهد. از سوی دیگر، در برخی موارد کالای تولید شده زیان هایی را به سلامتی افراد جامعه وارد می سازد که نمی توان به درستی هزینه های آنها را محاسبه کرد. اما، اعضای جامعه باید همه ساله هزینه هایی برای جبران زیان های وارده بپردازند.

4. Katarina Svatikova, **Economic Criteria for Criminalization: Why Do We Need the Criminal Law?**, Rotterdam Institute Of Law And Economics, 2008, p. 3.

۵. هزینه های خارجی هزینه های است که بزهکار بر بزه دیده تحمیل می کند و بزه دیده به نتایج زیانبار حاصل از رفتار مجرمانه رضایت ندارد. برای مثال، هزینه های خارجی جرم ضرب و جرح می تواند ربایش اموال بزه دیده، هزینه های پزشکی، درد و رنج وارد شده به او باشد.

Mark A. Cohen, **The Costs of Crime and Justice**, Routledge, 2005, p. 23.

6. Keith N. Hylton, **The Theory of Penalties and the Economics of Criminal Law**, Boston University School of Law, 2005, p. 2.

برای مثال، افرادی که در زمینه قاچاق مواد مخدر فعالیت می‌کنند، علاوه بر جبران خسارت های ناشی از اقدامات خود باید هزینه هایی که دولت برای کشف جرم، دستگیری و پیشگیری از این رفتارها می‌کند، را نیز جبران کند، زیرا درونی سازی^۱ به معنای این است که ایجاد کننده زیان به خاطر رفتارش مسئول شناخته شود. از این رو، هدف اصلی ایجاد محرک هایی به عنوان سیاست هایی حقوقی است که بتوان با حداقل هزینه ممکن زیان دیده را به وضعیت مطلوب برگرداند.^۲

بیشتر رفتارهای زیان آور^۳ دارای زیان های خارجی اند. رفتارهای زیان آور به آن دسته از رفتارهایی اجتماعی اطلاق می‌شوند که هزینه های اجتماعی آنها بیشتر از منافع اجتماعی است. بر این اساس، می‌توان جرم را از منظر تحلیل اقتصادی این گونه تعریف کرد: جرم عبارت است از رفتار مجرمانه توأم با خسارت به شخص بزه‌دیده یا جامعه به عنوان یک کل و شاخصه اصلی آن عدم رضایت است.^۴

دیدگاه اقتصادی نسبت به سایر نگرش ها این مزیت را دارد که در این دیدگاه بر روی کارایی جبران خسارت در جهت درونی سازی هزینه زیان های وارده تاکید شده است. در نتیجه، فلسفه وجودی حقوق کیفری این است که قوانین مدنی توانایی درونی سازی هزینه های جرایم را ندارد.^۵

اما درونی سازی هزینه های ناشی از حالت های بزهکارانه می‌تواند برای دولت سودآورتر باشد تا بزهکار. برای مثال، قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۶ اصلاحیه قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ این اختیار را به دادستان داده است که با گرفتن وثیقه یا تعهد مناسب از شخص بزهکار به مدت ۶ ماه تعقیب او را تعلیق کند. وضعیتی که شخص بزهکار باید هزینه های رفتار زیان آور خود را به جامعه پرداخت نماید. همچنین، مواد ۱۵ و ۱۶ اصلاحیه، درونی سازی حقوقی کیفری را به شکل محدودی به رسمیت شناخته است، به صورتی که قبل از هر گونه دخالت از طرف مجریان قانون، به بزهکار فرصت داده تا با پرداخت هزینه های رفتار زیان آور خود و آسیبی که به رفاه جامعه وارده کرده است، از جامعه جبران خسارت نماید.

1. Internalization
2. Katarina Svatikova, *op.cit*, p. 3.
3. Harmful Activities
4. *Ibid*, p.4.
5. *Ibid*, p.5.

۲. قاعده تکمیلی بودن حقوق کیفری

قاعده درونی سازی، به دلیل کاستن از دامنه اختیارات حقوق کیفری در دعاوی با انتقاداتی رو برو شد. برخی معتقد بودند که در صورتی که قانونگذار، صرفاً درونی سازی را به عنوان تنها هدف در رسیدگی به دعاوی بشناسد، حقوق کیفری به تدریج از جامعه حقوقی کنار گذاشته می شود. از طرف دیگر، نظریه درونی سازی نمی تواند کارکرد اصلی حقوق کیفری، یعنی بازدارندگی را به خوبی ایفا نماید، زیرا در ارتکاب بسیاری از جرایم، سودی که بزهکار بدست می آورد، بسیار زیادتر از میزان زیان های وارده به جامعه و بزه دیده است.^۱ در نتیجه، در صورتی که تنها مجازات جرایم مواد مخدر پرداخت منافع ناشی از فروش این مواد به دولت باشد هیچ تضمینی وجود ندارد که مانع ارتکاب مجدد این جرم شود. زیرا، منفعی که از این قبیل فعالیت ها بدست می آید، بسیار زیادتر از زیان های وارد است.

از این رو برخی معتقدند «زمانی که هزینه ها درونی می شوند، عاملان آزادند آن طور که می خواهند عمل نمایند، مشروط بر اینکه قیمت را بپردازند. اما درونی سازی در زمانی که جبران کامل خسارت در اصل یا در عمل ممکن نباشد، یا زمانی که مردم می خواهند قانون به جای منافع شان از حقوق شان حمایت نماید، یا زمانی که اشتباهات اجرا به طور سیستماتیک مسئولیت را تحلیل می برد، هدف درستی نمی باشد. در این شرایط هدف صحیح حقوق بازدارندگی است».^۲

انتقادات وارد بر قاعده درونی سازی، نویسندگان تحلیل اقتصادی حقوق را بر آن داشت که تا حدودی دست به تعدیل این قاعده بزنند. برخی از افرادی که در زمینه تحلیل اقتصادی فعالیت می کردند، معتقد بودند که برای اینکه بتوان رفتاری را جرم انگاری نمود، باید شرایط زیر را داشته باشد:

- آسیب وارده زیاد باشد و یا غیر مادی^۳ و یا پخش شده^۴ و یا دور از کنترل باشد.
- محکومیت دارای یک داغ^۵ مالی موثر برای بزهکار باشد.

1. Cento VeljAnovski, *Economic Principles of Law*, Cambridge University Press, 2007, p. 242.

۲. رابرت کوتتر، تامس یولن، *حقوق و اقتصاد*، ترجمه دکتر یدالله دادگر، حامد اخوان هزاوه، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۵۹۸.

3. Immaterial

4. Diffuse

5. Remote

6. Stigma

• در نهایت، قانونگذار به حقوق کیفری به عنوان یک ابزار برای جامعه پذیر کردن^۱ بزهکاران نگاه کند.

اگر کلیه این شرایط مهیا باشد، حقوق کیفری می تواند در جهت درونی سازی هزینه‌های اجتماعی زیان ها به کار رود.^۲

ریچارد ا. پاسنر^۳ کسی بود که توانست معیار کامل تر و دقیق تری برای تحلیل اقتصادی حقوق کیفری ارائه نماید. از دیدگاه پاسنر، کارکرد حقوق کیفری را می توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. نخست، کارکرد تکمیلی حقوق کیفری در جرایمی که بازده اقتصادی^۴ دارند. ثانیاً، کارکرد درونی سازی هزینه ها در جرایمی که بازده اقتصادی^۵ ندارند. در این نگرش، جرایم دارای بازده اقتصادی به رفتارهایی اطلاق می شوند که میل مجرمانه را برای کنار گذاشتن غیر قانونی بازار، تحریک کرده و دارای تدابیر جبرانی^۶ برای خسارت های وارده هستند. برای مثال، در ماده ۱۸ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ چنین بیان شده است: «هرکس برای ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود».

قانونگذار در این ماده به دلیل بازده اقتصادی زیادی که این جرایم برای مرتکبان دارد، صرفاً مصادره اموال را به عنوان یک مجازات کارآمد قبول ندارد. زیرا، صرف مصادره (یا قاعده درونی سازی) نمی تواند بازدارندگی مطلوب را ایجاد نماید. برای همین، قانونگذار در ادامه استفاده از مجازات های حقوق کیفری (اعدام) را به عنوان یک مکمل به رسمیت شناخته است.

وضعیتی که در آن حقوق کیفری کارکرد تکمیلی دارد، را پاسنر بازدارندگی مشروط^۷ نامد. زیرا، معتقد است که ابزارهای حقوقی دیگر (مانند حقوق مدنی، مسئولیت مدنی)

1. Socialization

2. Katarina Svatikova, *op.cit*, p.2.

3. Richard A. Posner

4. Productive Activities

5. Unproductive Activities

۶. تدابیر جبرانی سازوکارهای جبران خسارت بعد از اعمال مجرمانه را در بر می گیرد.

7. Conditional Deterrence

نتوانسته اند بازدارندگی لازم را داشته باشند. برای همین، قانونگذار مجبور به استفاده از ابزار دیگری با عنوان حقوق کیفری است. حقوقی که با داشتن ضمانت اجرای خاص خود می تواند، بر میزان بازدارندگی سایر ابزار های حقوقی بیافزاید.^۱

اما جرایم بدون بازده اقتصادی، جرایمی هستند که میل مجرمانه را برای کنار گذاشتن بازار به منظور آسیب رساندن به اموال و اشخاص در وضعیت های با هزینه معاملاتی پایین کمتر تحریک می کنند. این قبیل رفتارها سودآور نیستند و برای منافع به دست آمده، سازوکار جبرانی ندارند.^۲ برای مثال، قانونگذار در ماده ۱۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ پیش بینی کرده است که «معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان های مردم نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تجاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد نمایند، مجرمند». زیرا، اولاً، حالت اعتیادی سود مجرمانه برای بزهکار ندارد. ثانیاً، دخالت مستقیم قانون در این موارد هزینه های هنگفتی را برای دولت و جامعه می تواند داشته باشد. بدینسان، تنها به قاعده درونی سازی هزینه ها اکتفا کرده است.

از دیدگاه پاسنر، کارکرد درونی سازی دارای بازدارندگی غیر مشروط^۳ است، زیرا سودی که بزهکار از رفتار بزهکارانه خود بدست می آورد، به اندازه نیست که بتواند از زیان های وارد جبران خسارت نماید. ثانیاً، در این وضعیت، درونی سازی خود به عنوان ابزاری بازدارنده مانع از نقض معاملات بازار از سوی بزهکار می گردد.^۴

از این دیدگاه، رفتاری که بازده اقتصادی ندارد، فاقد معیار کارایی است. در نتیجه، کمتر بزهکار را تحریک می کند. از سوی دیگر، هزینه دولت برای مبارزه با این نوع از رفتارها نیز از نظر اقتصادی کارایی نخواهد داشت. زیرا منابع محدود را درجایی صرف کرده است که بازده اقتصادی چندانی برای آن قابل تصور نیست، به طوری که سود ناشی از این هزینه ها از منافع اکتسابی آن کمتر است. بدین ترتیب، زمانی که هدف بازدارندگی است، رفتار های

1. Keith N. Hylton & Haizhin Lin, **Innovation and Optimal Punishment, with Antitrust Applications**, Boston University School of Law Working Paper No. 08-33, 2008, p.6

2. *Ibid.*, p.243

3. Unconditional Deterrence

4. Richard A. Posner, *op.cit.*, p.1196-1197.

بزهکارانه باید مجازات شوند، در حالی که زمانی که هدف درونی سازی است، رفتارهای بزهکارانه باید قیمت گذاری شوند.^۱

ج) معیار های تعیین مجازات و مجازات های بهینه

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، دو معیار عمل_ محور و زیان_ محور برای تعیین مجازات‌های بهینه در جامعه وجود دارد. در نگرش عمل_ محور، رفتار شخص نه بر اساس زیان واردشده، بلکه به این دلیل که قبلاً از سوی قانونگذار به عنوان رفتاری ممنوع دانسته شده، قابل مجازات است.

در مقابل، برخی دیگر معیار زیان_ محور را برای تعیین مجازات بهینه به جامعه پیشنهاد می دهند. نگرشی که طبق آن، رفتار بزهکارانه به دلیل زبانی که به بزه دیده و جامعه وارد می کند، قابل سرزنش است. در ادامه به تبیین هر کدام از این دیدگاه ها می پردازیم.

۱. معیار عمل_ محور^۲ یا زیان_ محور^۳ در تعیین ضمانت اجراها

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، سیاستگذاران برای تعیین ضمانت اجرا و سازمان دهی آنها دو سازوکار متفاوت دارند: نخست، رویکرد فعل_ محور، که در آن نوع عمل یا رفتار بزهکارانه برای جامعه حایز اهمیت است. یعنی، ضمانت اجرا ها با توجه به فعل انجام شده و بدون در نظر گرفتن نتایج زیان بار رفتار بزهکارانه(فعل مجرمانه) به بزهکار تحمیل می شود.

ثانیاً، رویکرد زیان_ محور، که سازمان دهی پاسخ کیفری به رفتار بزهکارانه، مبتنی بر میزان زیان وارد به جامعه را در نظر دارد. از دیدگاه طرفداران این نگرش، ضمانت اجرای کیفری زمانی اعمال می شود که آسیبی به وجود آمده باشد، آسیبی که به وضوح می توان آن را مشاهده کرد و یا اینکه قاضی دادگاه یا دادستان آن را مورد تایید قرار می دهد.

طرفداران تحلیل اقتصادی بر این باورند که هر دوی این معیارها در صورتی که درست و بجا به کار برده شوند، اثر بازدارندگی یکسانی خواهند داشت. اما آنها می گویند در مقام مقایسه، اثر بازدارندگی تعیین ضمانت اجرا بر اساس زیان، بیشتر از اثر تعیین آن بر اساس فعل است. در نتیجه، زمانی که ضمانت اجراها بر اساس معیار زیان تعیین می شوند، افراد کمتری نسبت به

۱. رابرت کوتر، تامس یولن، پیشین، ص ۵۹۹.

2. Act -Based
3. Harm - Based

تعیین آنها بر مبنای فعل تحت تعقیب قرار می‌گیرند. برای مثال، در مورد جرایم رانندگی، در جایی که سرعت زیاد جرم انگاری می‌شود، افراد زیادی جریمه می‌شوند (بر اساس فعل) اما در تصادفات چون که ضمانت اجراها بر اساس زیان به افراد اعمال می‌شوند، افراد کمتری تحت تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند.

برخی از اقتصاددانان معتقدند که تعیین ضمانت اجراها بر اساس زیان، به لحاظ اجرایی کم هزینه تر و ریسک آن برای بزهکاران نیز بیشتر است، زیرا بزهکاران مجبور می‌شوند قبل از انجام هر کاری اطلاعات لازم را حول زیان های آن به دست آورند و در نتیجه، انگیزه لازم را به آنها برای کنترل رفتارهایشان می‌دهد.^۱

بر اساس این دیدگاه، زمانی که معیار پاسخ گویی به پدیده مجرمانه، کم و کیف زیان وارده باشد، ضمانت اجراها ثبات و دوام بیشتری دارند و برای رسیدن به یک مجازات کارآمد ناچار از تغییر پی در پی قوانین نخواهیم بود. این در حالی است که ضمانت اجراهایی بر اساس رفتار بزهکارانه سازمان دهی می‌شوند، برای اینکه کارایی خود را حفظ نمایند، لازم است هر چند وقت در آنها تغییراتی به وجود آید.^۲

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، قانون گذاران از نظر تعیین ضمانت اجرای کیفری به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، برخی از قانون گذاران بر این باورند که ضمانت اجراها را باید بر اساس رفتار مجرمانه به اعتبار آینده^۳ تعیین کرد. از این دیدگاه، قانون گذار مجازاتی را برای رفتاری که ممکن است در آینده ارتکاب یابد تعیین کرده و افراد را از ارتکاب آن منع می‌کند.

اما، گروهی دیگر بر این اعتقادند که ضمانت اجرای کیفری بایستی بر اساس زیان به وجود آمده و به اعتبار گذشته^۴ تعیین شوند. در نتیجه، یک ضمانت اجرای مشخص و بدون مدت برای فلان مقدار زیان تعیین می‌شود.^۵

تحلیل گران اقتصادی حقوق می‌گویند در وضعیتی که سیاستگذار، ضمانت اجراها را به اعتبار آینده (فعل_ محور) تعیین می‌کند، منافع اکتسابی بزهکار از نقض قانون عبارت است از: سود مجرمانه منهای مجازات تعیین شده و احتمال بازداشت. $(b - f p)$. در این شرایط

1. Nuno Garoupa & Maria Obdizinski, **The Scope of Punishment: An Economic Theory**, Illinois Law and Economics Research Papers Series Research Paper No. LE10-016, 2010, p.9.

2. Nuno Garoupa & Maria Obdizinski, **op.cit**, p.5.

3. Ex ante

4. Ex post

5. Katarina Svatikova, **op.cit**, p.22.

بزهکار زمانی مرتکب رفتار بزهکارانه می شود که سود مجرمانه از مجازات تعیین شده و احتمال بازداشت که قبلا در قانون تعیین شده است، بیشتر یا مساوی آن باشد ($b \geq f(p)$).

در مقابل، در وضعیتی که زیان وارده، معیار تعیین ضمانت اجرا باشد، منفعت مورد انتظار از عمل بزهکارانه عبارت است از: منافع اکتسابی بزهکار منهای زیان وارده، احتمال مجازات و ضمانت اجرای تعیین شده برای آن میزان زیان ($B - a_{eps}$). در این حالت، بزهکار زمانی مرتکب جرم می شود که منافع اکتسابی بیشتر از هزینه های زیان، احتمال بازداشت و ضمانت اجراها با ثابت بودن سایر شرایط باشد^۱ ($B > a_{eps}$).

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، مجازات هایی که برای پاسخ به پدیده مجرمانه به اعتبار آینده پیش بینی شده اند، مبتنی بر این نظرند که اعتقادات و باورهای مردم است که قانون را به وجود می آورد (ضمانت اجراهای فعل - محور) اما مجازات هایی که به اعتبار گذشته تعیین می شوند، مبتنی بر این نظرند که اعتقادات مردم است که اجرای قانون را محقق می سازد. (ضمانت اجراهای زیان - محور). در نتیجه، در سیاست جنایی که ضمانت اجراها بر اساس فعل مجرمانه انتخاب می شوند، قاضی دادگاه خطر زیان را با ضمانت اجرا ترکیب یا آن را محاسبه می کند. اما، در سیاست جنایی که ضمانت اجراها بر اساس زیان وارده تعیین می شوند، افراد (بزهکاران بالقوه) هستند که قبل از ارتکاب فعل مجرمانه خطر و زیان ناشی از رفتار، بازداشت و محاکمه را محاسبه می کنند.

در مدل تحلیل اقتصادی، تعیین مجازات ها بر اساس معیار زیان زمانی کاربرد دارد که اجرای مجازات ها برای جامعه هزینه زاست، تغییر در قوانین مشکل است یا افراد تغییر در قوانین را نمی پذیرند و اطلاعات بزهکاران از زیان های اجتماعی رفتارهای بزهکارانه بیشتر از دیگران است.^۲

رویکردی که سیاستگذار در تعیین ضمانت اجراهای اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ انتخاب کرده است، نسبت به دو طیف بزهکاران پیش بینی شده متفاوت است. بر این اساس، در تعیین ضمانت اجراهای تبصره الحاقی ماده ۱ و اصلاح مواد ۴ و ۵ و مواد الحاقی ۱۷، ۱۸ و ۳۵ رویکرد فعل - محور مشاهده می شود. در این مواد،

۱. a متغیر زیان ثابت وارده از عمل مجرمانه است. این متغیر ممکن است از سوی افراد محاسبه شود a_e و یا اینکه دولت آن را تعیین کند که در این صورت به شکل a_g نوشته می شود. در هر صورت دو حالت امکان دارد روی دهد. $a_e = a_g = a$ یا اینکه ممکن است: $a_e \neq a_g = a$ باشد.

2. Nuno Garoupa & Maria Obdizinski, *op.cit.*, p.13.

قانون گذار با توجه به فعل ارتكابی و بدون در نظر گرفتن میزان زیان وارده به جامعه تعیین مجازات کرده است.

اما در تعیین مجازات برای معتادان در مواد ۱۵ و ۱۶ قانون با رویکرد زیان_ محور به مسأله نگریسته است. رویکردی که در آن واکنش اولیه به بزه‌دگی، مجازات نیست، بلکه اصلاح و درمان برای از بین بردن زیان هایی است که به جامعه در نتیجه اعتیاد شخص وارد می شود.

۲. مجازات بهینه^۱

در نگرش اقتصادی، قانونگذار با مجازات بزهکار دو هدف عمده را دنبال می کند: نخست، بازدارندگی، مجازات ها به دلیل هزینه هایی که به بزهکار در صورت کشف جرم و دستگیری تحمیل می کنند، اثر بازدارندگی دارند، زیرا سود مجرمانه جرم را کمتر از هزینه آن می کنند. دوم این که، مجازات ها کارکرد ناتوان سازی دارند. بدین معنا که مجازات هایی مثل، حبس و اعدام بزهکار را از جامعه دور می کند. بدین سان، دیگر او قادر به ارتکاب جرایم بیشتری نخواهد بود.^۲

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، در تعیین مجازات مطلوب باید به سه عامل اساسی توجه کرد: نخست، هزینه هایی که رفتارهای بزهکارانه به جامعه تحمیل می کند. ثانیاً، سودی که بزهکار از ارتکاب بزه به دست می آورد و در نهایت، هزینه منابعی که برای رسیدن به مجازات مورد انتظار و اجرای آن در جامعه باید بشود.^۳ در مورد دو طیف هزینه‌های اول و سوم بین اقتصاددانان اختلاف نظر وجود ندارد. اما، طیف دوم هزینه ها، یعنی سود حاصل از عمل مجرمانه همواره با مناقشاتی مواجه بوده است زیرا بسیاری از اقتصاددانان سود مجرمانه را تابع رفاه اجتماعی قلمداد نمی کنند.

جرج استیگلر^۴ نخستین کسی بود که این موضوع را با این سؤال مطرح کرد که به چه دلیلی جامعه برای درآمدهای ناشی از اعمال بزهکارانه چون قتل، تجاوز و یا حتی آتش زدن اموال ارزش اثباتی قایل شود؟ در واقع، جامعه سود ناشی از چنین فعالیت هایی غیر قانونی را نامشروع تلقی می کند. اما، نمی توان این نتیجه گیری را در جایی که سود مجرمانه باعث

1. Optimal Punishment

2. Bruno S. Frey, **Punishment – and Beyond**, Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, 2009, p.p.1-2.

3. Harold Winter, **The Economics of Crime An Introduction to Rational Crime analysis**, Published Routledge, 2008, p. 13.

4. George Stigler (1970).

افزایش رفاه شخص می شود، سرایت داد. برای مثال، جامعه هیچ وقت شخصی را که برای نجات خود از مرگ در بیابان در کانتینری را می شکند و مقداری غذا بر می دارد، سرزنش نمی کند.^۱

تحلیل اقتصادی حقوق بر این باور است که تعیین ارزش منافع به دست آمده، یک موضوع کاملاً اخلاقی است. چنان که دیوید فریدمن بیان می کند « وقتی که ما مجرمان را بر اساس استحقاق یا عدم استحقاق ایشان طبقه بندی می کنیم، در نتیجه گیری خود درباره میزان مجازات { دچار اشتباه می شویم، چرا که فرض را در تعیین مجازات بر این می گذاریم که باید با مجرمان رفتاری بدتر از نتایج اعمالشان شود». اما، تحلیل اقتصادی، برای حل این مشکل می گوید باید متولیان سیاست کیفری، منافع اکتسابی بزهکار را جزء تابع رفاه جامعه قلمداد کنند تا بتوانند با توجه به آن مجازاتی بهینه تعیین کنند، زیرا زمانی که منافع اکتسابی تابع رفاه جامعه قلمداد شود، می توان به یک مجازات بهینه با ترکیب سایر عناصر دست یافت. سیاستگذار در اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجازات هایی را برای بزهکاران تعیین کرده است. برخی از این مجازات ها مثل، جزای نقدی هزینه های زیادی را به جامعه تحمیل نمی کنند، اما برخی دیگر چون مجازات حبس به ویژه حبس ابد، بار مالی زیادی برای دولت و جامعه دارد. در ادامه برخی از مجازات هایی که از دیدگاه اقتصادی کارآمد است و معیار های تعیین آنها را به طور مختصر بیان می کنیم.

۲-۱. جزای نقدی بهینه^۲

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، مجازات جزای نقدی از دو جهت بر مجازات حبس ترجیح دارد: نخست اینکه این مجازات در مقایسه با مجازات حبس، بار مالی چندانی ندارد، بنابراین دولت دیگر نیازی ندارد که منابع مالی خود را برای آن هزینه نماید. ثانیاً، هزینه های اجرایی مجازات جزای نقدی در مقایسه با هزینه های اجرای مجازات حبس بسیار کم است.^۳

1. Thomas J. Miceli, *op.cit*, p.290.

2. *Ibid*, p.290.

3. The Optimal Fine

4. Harold Winter, *op. cit*, p.17.

از نگرش اقتصادی، تعیین مجازات بهینه و شرایط آن نیازمند انتخاب و ترکیب بهینه متغیرهای p (احتمال دستگیری)، f (میزان جزای نقدی) و t (مدت زمان لازم برای محکومیت از سوی قانونگذار) است.^۱

در بسیاری از موارد، قانونگذاران ضمانت اجرای یک جرم را تنها جزای نقدی تعیین می‌کنند. در این حالت مدت مجازات برابر با صفر است ($t=0$) و سود مجرمانه بیشتر از احتمال مجازات و جزای نقدی است ($g > pf$). در صورتی که فرض احتمال مجازات (p) در سطوح مختلف ثابت باشد، تنها متغیر کمیّت جزای نقدی تغییر خواهد کرد. مجازات جزای نقدی اصولاً هزینه های زیادی را به جامعه وارد نمی‌کند، بنابراین تاثیر چندانی بر روی میزان رفاه اجتماعی نخواهد داشت. بدینسان، سیاستگذار به راحتی قادر خواهد بود که سطح بهینه مجازات را تعیین کند.

برای اینکه بتوان سطح مجازات بهینه را تعیین کرد، در ابتدا، باید زیان صدمه وارد بر بهزه‌دیده سنجدیده شود. معمولاً، زیان وارده را بر اساس ارزش پولی آن برای جرایم مختلف به دست می‌آورند. معیار کارایی می‌گوید بزهکاران جرایمی را مرتکب می‌شوند که سود مجرمانه آنها بیشتر از زیان بزه‌دیده ($g > h$) باشد. زمانی که g (سود مجرمانه) بیشتر باشد، از نظر اقتصادی وضعیت بهینه جرایم^۲ مطرح می‌شود. زیرا، می‌توان برای این جرایم همواره بزهکارانی را تصور نمود.

اما، در حالت عکس، یعنی زمانی که زیان بیشتر از سود باشد، در این صورت ارتکاب بزه ارزشی برای بزهکار نخواهد داشت. اقتصاددانان می‌گویند وضعیتی که سود جرم کمتر از زیان آن است، وضعیت بازدارندگی مطلق یا کارآمدی است.

از نظر اقتصاددانان، برای تعیین سطح کارآمدی جزای نقدی، سیاستگذار لازم نیست که به تقسیم سود مجرمانه بین بزهکاران توجه کند، بلکه صرفاً محاسبه میزان جزای نقدی برای این کار کافی است. به ویژه، زمانی که میزان جزای نقدی با میزان زیان برابر باشد ($pf = h$)، بزهکاران تنها زمانی که سود مجرمانه بیشتر از زیان وارده باشد، مرتکب آن خواهند شد.

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، جزای نقدی بهینه را می‌توان از طریق فرمول زیر بدست آورد:

$$f * = \frac{h}{p}$$

1. Edward L. Glaeser and Bruce Sacerdote, **The Determinants of Punishment: Deterrence, Incapacitation and Vengeance**, Harvard University Cambridge, Massachusetts, 2000, p.p. 3-4. <http://www.economics.harvard.edu/hier/2000list.html>.
2. Optimal Crime

مطابق این فرمول، برای بدست آوردن جزای نقدی بهینه (f^*)، میزان زیان وارده (h) را بر میزان احتمال بازداشت (p) تقسیم می‌کنند. بدین ترتیب، بزهکار محکوم به آن میزان از جزای نقدی می‌شود که بیشتر از زیان وارده است.^۱

۲-۲. مبنای سود در مقابل مبنای زیان در تعیین جزای نقدی

اقتصاددانان در محاسبه جزای نقدی بر مبنای زیان تنها به متغیر زیان وارده توجه می‌کنند و محاسبه سود مجرمانه را لازم نمی‌دانند. اما، در برخی وضعیت‌ها تعیین جزای نقدی بر اساس میزان زیان، کارایی لازم را ندارد و چه بسا محرکی برای ارتکاب جرایم بعدی هم باشد. اقتصاددانان، در این وضعیت، مبنای تعیین جزای نقدی را سود مجرمانه قرار می‌دهند. از نظر ایشان زمانی که سود مجرمانه مینا قرار گیرد وضعیت بازدارندگی بهینه از کلیه جرایم به وجود می‌آید. آنها، این وضعیت را از طریق فرمول زیر نشان می‌دهند:

$$\int_a^* = \frac{g}{p}$$

چنان که در این فرمول مشاهده می‌شود تابع سود (g) به جای تابع زیان (h) قرار داده شده است. به عبارت دیگر، بزهکاران در صورت دستگیری باید علاوه بر سود مجرمانه، هزینه‌هایی که جامعه برای کشف جرم کرده، را به عنوان جزای نقدی بپردازند. در این وضعیت بزهکاران زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود مجرمانه بیشتر از جزای نقدی و سایر هزینه‌ها باشد. ($g > p \int g^*$) به عبارت دیگر، سود بزهکار (g) بیشتر از جزای نقدی بهینه باشد ($f \int g^*$) که از تقسیم سود بزهکار (g) بر احتمال بازداشت (p) به دست می‌آید. در صورتی که بر اساس این فرمول، بیشتر بزهکاران از ارتکاب بزه صرف نظر کنند، می‌توان گفت که مینا قرار دادن سود، نتایج کارآمدی داشته است.^۲

شاید در این جا این سوال مطرح گردد که با توجه به اینکه محاسبه جزای نقدی بر اساس مبنای زیان وارده در این وضعیت نتیجه مشابهی را خواهد داشت، چه نیازی به محاسبه بر اساس مبنای سود مجرمانه است؟ اقتصاددانان در پاسخ می‌گویند در بسیاری از وضعیت‌ها محاسبه سود مجرمانه خیلی راحت‌تر و سریعتر از محاسبه زیان وارده به قربانی است. برای مثال، محاسبه سودی که از بازار سیاه بدست می‌آید، خیلی راحت‌تر از محاسبه زیانی است که به کارایی بازار وارد می‌شود.^۳

1. Thomas J. Miceli, *op.cit*, p. 291.

2. *Ibid*, p. 292.

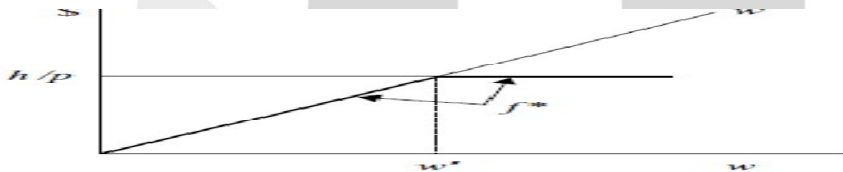
3. *Ibid*, 292.

۳-۲. جزای نقدی یا زندان؟

برخی بر این باورند که اگر مجازات جزای نقدی، تنها مجازات رفتار بزهکارانه باشد، در بسیاری از موارد کارایی لازم را برای بازدارندگی از جرایم نخواهد داشت. از جمله، زمانی که ثروت بزهکار به اندازه ای است که به راحتی می تواند جزای نقدی را پراخت کند. اقتصاددانان در این وضعیت، مجازات حبس را به عنوان مکمل بازدارنده تجویز می کنند.^۱ مجازات حبس در مقایسه با جزای نقدی دارای بار مالی زیادی برای جامعه است. بنابراین، هر چه میزان مدت زندان (t) طولانی تر باشد، علاوه بر این که هزینه ای برای بزهکار ندارد، سبب افزایش هزینه های جامعه نیز می شود.

در نتیجه، برخی می گویند افزایش جزای نقدی تا حدی که به بیشترین میزان ثروت افراد برسد، قبل از استفاده از حبس، بهینه است.^۲ سیاستگذار و قضات باید تا جایی که می توانند از مجازات جزای نقدی استفاده کنند و تنها در صورتی که این مجازات اثر بازدارندگی نداشت، به مجازات حبس متوسل شوند.

نمودار ۱. جزای نقدی بهینه زمانی که ثروت بزهکاران محدود است.



تحلیل گران اقتصادی حقوق، به طور کلی دو فرمول برای تعیین مجازات جزای نقدی و حبس به کار می برند. در این فرمول، اگر w متغیر ثروت بزهکار باشد، جزای نقدی بهینه از دو روش زیر به دست خواهد آمد:

$$f^* = \begin{cases} \frac{h}{p}, & \text{if } \frac{h}{p} \leq w \\ w, & \text{if } \frac{h}{p} > w \end{cases}$$

1. Nuno Garoupa & Fernando Gomez-Pomar, **Punish Once or Punish Twice: A Theory of the Use of Criminal Sanctions in Addition to Regulatory Penalties**, Harvard Law School John M. Olin Center for Law, Economics and Business Discussion Paper Series. Paper 308,2000, p.5.
2. Thomas J. Miceli, **op.cit**, p. 293.

در این فرمول جزای نقدی بهینه (f^*) از دو روش به دست می‌آید. در روش اول، جزای نقدی بهینه برابر با تقسیم زیان وارده (h) بر احتمال بازداشت (p) است در صورتی که ثروت شخص (w) بیشتر از زیان وارده باشد. روش دوم در جایی است که ثروت شخص (w) کمتر از زیان وارده است. در این وضعیت میزان جزای نقدی برابر با ثروت بزهکار است.

چنان که مشاهده می‌شود، حالت اول نشان دهنده وضعیتی است که میزان زیان وارده به بزه‌دیده کمتر یا مساوی با میزان ثروت بزهکار است. فرمول دوم نیز وضعیتی را نشان می‌دهد که میزان زیان وارده به بزه‌دیده بیشتر از ثروت بزهکار می‌باشد.

در وضعیتی که میزان ثروت بزهکار بیشتر از زیان وارده یا مساوی آن باشد، اقتصاددانان معتقدند که نباید از مجازات حبس استفاده کرد. اما، در صورتی که میزان زیان وارده از میزان ثروت بزهکار بیشتر باشد، جزای نقدی تا میزان ثروت شخص تعیین می‌شود. برای مثال، در صورتی که زیان وارده، ۱۰۰۰ یورو و متغیر احتمال ۵٪ باشد، در این صورت مجازات جزای نقدی بهینه ۲۰۰۰ یورو، یا به میزان ثروت بزهکار، هر کدام که بیشتر باشد خواهد بود.

$$f = \frac{h}{p}, \quad \frac{1000}{\%5} = 2000 \leq w$$

$$w, \quad \frac{1000}{\%5} = 2000 > w$$

اقتصاددانان، براین باورند که در حالت اول (جایی که ثروت مجرم بیشتر یا مساوی با زیان وارده است) نباید از مجازات حبس استفاده کرد، زیرا مجازات حبس هزینه زیادی برای جامعه دارد و نمی‌شود به آن به عنوان یک ابزار بهینه مکمل برای افزایش بازدارندگی نگاه کرد.

از این رو برخی می‌گویند زندان تنها در شرایطی مطلوب و بهینه است که منافع نهایی بازدارندگی از هزینه‌هایی نهایی که جامعه برای ضمانت اجرای مجرای مکمل می‌کند، تجاوز نماید.^۱

۲-۴. آیا احتمال بازداشت یک متغیر است؟

احتمال بازداشت افراد پس از ارتکاب جرایم، در نظام‌های مختلف عدالت کیفری و با توجه به نوع نگرش‌ها به کارکرد مأموران اجرای قانون متفاوت است. در یک نظام عدالت

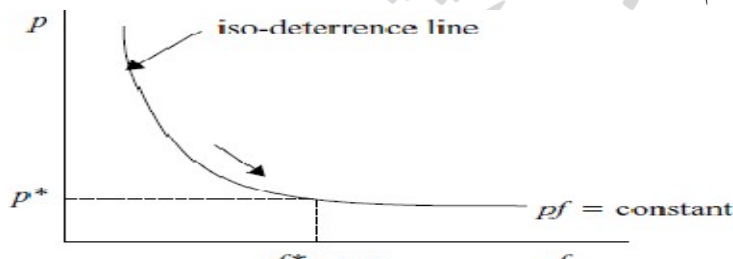
1. Thomas J. Miceli, *op. cit.*, p.293.

کیفری ممکن است دولت برای پیشگیری از جرم درصدد افزایش میزان نیروهای پلیس باشد و در یک نظام دیگر بر عکس بیشتر بر افزایش میزان شدت مجازات ها تاکید کند. اصولاً، سیاستگذاران با تعیین میزان هزینه های ماموران اجرای قانون، میزان متغیر احتمال بازداشت را تعیین می کنند. این احتمال با توجه به نوع مجازات ها متفاوت است. از این رو، اقتصاددانان این متغیر را یک بار با مجازات جزای نقدی و یک بار با مجازات حبس مورد بررسی قرار می دهند.

۲-۴-۱. جزای نقدی

چنان که قبلاً بیان شد، اگر مجازات جزای نقدی تنها مجازات رفتار بزهکارانه باشد، میزان بهینه بازدارندگی زمانی به دست می آید که میزان هزینه های احتمال مجازات و جزای نقدی (pf) با آسیب وارده (h) برابر باشد. اگر، احتمال مجازات (p) ثابت باشد، جزای نقدی بهینه از طریق فرمول $f^* = \frac{h}{p}$ به دست می آید.

اما، در صورتی که احتمال مجازات (p) متغیر باشد، نتایج متفاوتی به دست می آید. اگر میزان متغیر احتمال مجازات و جزای نقدی (pf) ثابت باشد، میزان متغیر بازدارندگی تغییر نخواهد کرد. اما، اگر سیاستگذار درصدد برآید که میزان متغیر بازدارندگی را در سطح مطلوب تغییر دهد (یعنی از بین متغیر های احتمال (p) و یا جزای نقدی (f) دست به انتخاب بزند)، آنچه از لحاظ اقتصادی اهمیت خواهد داشت، ترکیب بهینه احتمال مجازات و جزای نقدی (p و f) است تا اینکه میزان هزینه های اجرای قانون و مجازات را به حداقل خود برساند. در این صورت، اگرچه مجازات جزای نقدی هزینه های اجتماعی ندارد، ولی در عوض هزینه های کشف جرم و بازداشت بزهکاران را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه، مجازات جزای نقدی باید تا آنجا که امکان دارد، زیاد شود و در عوض، احتمال بازداشت تا آن جا که امکان دارد، کم شود.



نمودار ۲. جزای نقدی بهینه و احتمال دستگیری در سطوح معین از بازدارندگی

چنان که در نمودار مشاهده می‌شود، شیب منحنی در خط استاندارد بازدارندگی به سمت پایین است. این امر نشان می‌دهد که ترکیب احتمال (p) و جزای نقدی (f) برای به وجود آوردن سطح بازدارندگی (pf) ثابت است.

اگر افزایش احتمال مجازات (p) از افزایش جزای نقدی (f) پر هزینه تر باشد، در سطوح مختلف منحنی بازدارندگی با پایین آمدن شیب منحنی، هزینه های اجرایی نیز پایین خواهد آمد، یعنی کاهش احتمال (p) برابر است با افزایش جزای نقدی (f). در نتیجه، راهکار بهینه، نیازمند افزایش جزای نقدی تا حد ممکن یا برابری آن با ثروت بزهکار است ($f^* = w$).

راهبرد بهینه «افزایش میزان جزای نقدی متناسب با کاهش میزان احتمال بازداشت» را گری بکر ارائه نمود و از آن پس تحلیل های اقتصادی در ارائه مدل بهینه مجازات حول آن سازماندهی شدند.

یکی دیگر از موضوعات در تحلیل اقتصادی، تعیین نقطه بهینه یا مطلوب بر روی منحنی خط بازدارندگی استاندارد است. سطح بازدارندگی در حال تغییر و تحول بوده و هست، اما آن چه از لحاظ اقتصادی اهمیت دارد، تعیین سطح بازدارندگی با توجه به متغیر های موجود است. افزایش بازدارندگی در یک جامعه زمانی بهینه است که میزان کاهش نهایی زیان های اجتماعی خالص با افزایش نهایی هزینه های اجرایی برابری کند.^۱

از دیدگاه اقتصادی مدلی برای محاسبه دقیق p یا احتمال دستگیری افراد وجود ندارد، با این حال آنها بر این باورند که میزان بهینه عبارت است از: $h < p^* f^* = p^* w$ ، یعنی، جزای نقدی مورد انتظار کمتر از میزان زیان اجتماعی جرم باشد. {احتمال بازداشت (p)، جزای نقدی بهینه (f^*)، ثروت بزهکار (w) و زیان وارده (h)}. اقتصاددانان حالت به وجود آمده را وضعیت پایین بودن میزان اثر بازدارندگی می‌گویند، بدین معنا که بزهکاران در صورتی که میزان نفع شخصی شان در ارتکاب جرم از هزینه های اجتماعی بیشتر باشد، مرتکب آن خواهند شد.

برای توجیه اینکه چرا بازدارندگی پایین مطلوب است، فرض را بر این می‌گذارند که هزینه های احتمال مجازات و جزای نقدی با زیان وارده $h = p f^*$ برابری می‌کند. اگر میزان p یا احتمال بازداشت کمی پایین بیاید، در عوض، هزینه های اجرایی باقی خواهد ماند، اما برخی جرایم اضافی نیز ارتکاب می‌یابند (البته این در جایی است که نمی‌توان در

1. Thomas J. Miceli, *op.cit*, p. 296.

عوض کاهش هزینه های اجرایی به میزان جزای نقدی اضافه کرد، چرا که قبلا تا میزان ثروت شخص تعیین شده است).

اقتصاددانان می گویند زیان های اجتماعی که از جرایم اضافی به وجود می آیند، کم هستند. زیرا، سود مجرمانه برابر است با مجازات جزای نقدی و احتمال مجازات ($g = pf^*$) که در نتیجه با زیان وارده برابری می کند ($h - g = 0$). در نتیجه، سود اجتماعی خالص کاهش احتمال p ، این فرض را اثبات می کند که هزینه های احتمال بازداشت و جزای نقدی برابر با زیان وارده است ($p \cdot f^* = h$) که نمی تواند بهینه باشد. در نتیجه، میزان احتمال بازداشت یا p ، زمانی به حد بهینه خود می رسد که زیان های نهایی رفتارهای بزهکارانه اضافی در نتیجه کاهش هزینه های احتمال مجازات با ذخیره های نهایی هزینه های اجرایی برابری کند.

۲-۴-۲. جزای نقدی و زندان. اقتصاددانان معتقدند که وقتی سیاستگذار سه متغیر زندان، جزای نقدی و احتمال بازداشت را در مقابل خود دارد، ابتدا باید مجازات جزای نقدی را تا میزان ثروت بزهکار انتخاب کند. اما، برای انتخاب از بین دو متغیر باقی مانده، او باید به این نکته توجه کند که آیا آنها بر روی میزان رفاه اجتماعی اثر دارند یا نه؟

برای مثال، سیاستگذار سطح بازدارندگی بهینه از مجازاتی را ۴۰۰۰ یورو تعیین می کند. اگر فرض بر این باشد که هزینه های ماهانه هر زندانی برابر با ۵۰۰ یورو و ثروت بزهکار ۲۰۰۰ یورو است. در این صورت، جزای نقدی که در نظر گرفته می شود برابر است با ۲۰۰۰ یورو و مجازات های دیگر برای افزایش بازدارندگی با فرمول زیر تعیین می شود:

$$P \{f + (c)(t)\}$$

$$P \{2000 + (500)(t)\} = 4000$$

اگر متغیر p را ۵٪ فرض کنیم، میزان زندان بهینه ۱۲ ماه خواهد شد. در این صورت، مدت زندان مورد انتظار، $(pt) = 6$ ماه است. $\{ (12)(5\%) = 6 \}$ اما اگر میزان احتمال مجازات را به ۴٪ کاهش دهیم، با توجه به اینکه در نتیجه این کاهش ۱۰۰۰ یورو صرفه جویی می شود، برای ثابت نگهداشتن بازدارندگی بهینه مجبور خواهیم شد میزان زندان را به ۱۶ ماه افزایش دهیم که در این حالت میزان مجازات بهینه زندان $6/4$ ماه می شود $\{ (16)(4\%) = 6/4 \}$ زمانی که میزان بازدارندگی بهینه به دست آمد، برای بررسی اینکه آیا کاهش مقدار p در رفاه اجتماعی تاثیر داشته یا نه باید دید که آیا منافع حاصل از کاهش p به میزانی بوده است که هزینه های ناشی از افزایش مجازات از ۶ ماه به ۶/۴ ماه را جبران کند یا نه؟

برای مثال، اگر میزان هزینه هر ماه زندانی ۲۰۰۰ یورو باشد، هزینه اضافی $800 = (2000)(0/4)$ می شود که کمتر از ۱۰۰۰ یورو است. در این فرض افزایش میزان مدت زندان سود خالص اجتماعی برای جامعه دارد.

۲-۵. مجازات اعدام

مجازات اعدام و سلب حق حیات از افراد یکی از مناقشه آمیز ترین مجازات ها در طول تاریخ بوده است. نگرش های متفاوتی نسبت به این مجازات وجود دارد. برخی بر این باورند که مجازات اعدام توجیه قانونی ندارد و دولت ها حق ندارند که حق حیات افراد را از آنها سلب نمایند. در مقابل، برخی بر این عقیده اند که مجازات اعدام نسبت به سایر مجازات ها اثر بازدارندگی بیشتری دارد و بر اساس تحلیل هزینه-فایده، هزینه های آن برای جامعه به نسبت هزینه های حبس ابد بسیار کم تر است.^۱

ایرلیش در سال ۱۹۷۰ در یکی از مهمترین مطالعات با نگرش اقتصادی، مجازات اعدام را بررسی کرده است. ایرلیش با استفاده از مدل بکر نشان داد که افزایش مجازات اعدام در صورت ثابت ماندن سایر شرایط باعث کاهش قتل می شود. به طور کلی، مطالعات او نشان می داد که به ازای هر یک اعدام از ارتکاب ۷ الی ۸ فقره قتل در سال جلوگیری می شود.^۲

اما، این دیدگاه مخالفانی نیز داشته است. منتقدان بیان می کنند که حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که مجازات اعدام اثر بازدارندگی دارد، باز هم نمی توان از هزینه های زیادی که این مجازات به جامعه تحمیل می کند (علی الخصوص در مورد خطای قضات) چشم پوشی کرد. بدین سان، حتی افرادی که بازدارندگی را هدف اصلی مجازات ها می دانند، بر این عقیده اند که نباید از مجازات اعدام استفاده کرد یا توسل به آن باید در مواقع ضروری باشد. هزینه هایی اعدام در جایی که خطای قضایی وجود دارد بسیار بالا است و می توان از آن میان به موارد زیر اشاره کرد:

• هزینه برگزاری دادگاه برای جرایمی که مجازات آنها اعدام است، بسیار زیادتر از هزینه های تشکیل دادگاه های دیگر است. زیرا این دادگاه ها بیشتر از سوی مردم مورد توجه قرار می گیرند و برای همین زمان دادرسی های آنها نیز طولانی است.

1. Rahiim Manji, **Cost-Benefit Analysis, the Death Penalty, and Rationales for Punishment**, Senior Thesis Projects, University of Tennessee College Scholars Senior Project Mentor: Professor Lois Presser, 2006, p. 1.

2. Hashem Dezhbakhsh, Paul H. Rubin & Joanna M. Shepherd, **Does Capital Punishment have a Deterrent Effect?** New Evidence from Postmoratorium Panel Data, at: **Economics, Law and Individual Rights**, Edited by Hugo M. Mialon & Paul H. Rubin, Routledge, 2008, p.398.

• فرآیند تجدید نظر و فرجام‌خواهی از آرای اعدام دادگاه‌ها برای رعایت هر چه بهتر حقوق محکومان به این مجازات، طولانی و پرهزینه است.

• هزینه نگهداری این افراد تا فرا رسیدن زمان اجرای حکم نسبت به سایر زندانیان هزینه‌های زیاد تری دارد چرا که این افراد دیگر هراسی ندارند و ممکن است در زندان مرتکب جرایم بسیار شدیدتری نیز بشوند.^۱

از دیدگاه پاسنر، پذیرش یا عدم پذیرش مجازات اعدام به پاسخ به این سؤال اساسی بستگی دارد که آیا سود اجتماعی که جامعه از هر میزان کاهش نرخ جرایم با اجرای مجازات اعدام به دست می‌آورد، بیشتر یا کمتر از هزینه‌های اجتماعی مجازات اعدام است؟ این هزینه‌ها عبارتند از:

■ کاهش هزینه‌های اجتماعی مرتبط با کاهش جرم در نتیجه فرآیند بازدارندگی.

■ هزینه‌های اضافی مجازات مرگ برای هر مجرم.

■ هزینه‌های اضافی مجازات مرگ برای شخص بی‌گناهی که محکوم به اعدام است.

■ هزینه‌های اضافی دادگاه و اعدام.^۲

پاسنر بیان می‌کند که توجیه اقتصادی مجازات اعدام به دلیل اثر بازدارندگی این مجازات نسبت به قاتلان است، اثری که از ارتکاب بسیاری از جرایم علیه اشخاص جلوگیری می‌کند. بدین‌سان، نظر برخی که در مقایسه هزینه‌هایی را مجازات اعدام و حبس ابد معتقدند اگر فواید ناشی از اجرای اعدام برای انتقام‌گیرندگان، دوستان و خانواده مقتول با زیان‌های ناشی از اجرای اعدام برای خانواده قاتل، قاتل و مخالفان با اعدام مقایسه شود، دیگر سودی از اجرای اعدام برای جامعه باقی نمی‌ماند، قابل قبول نیست.^۳

از دیگر انتقادات مخالفان به تحلیل هزینه-فایده مجازات اعدام، ارزش‌گذاری پولی زندگی افراد در جامعه است. مخالفان می‌گویند در صورتی که جامعه نگرش تحلیل هزینه-فایده‌ای به زندگی افراد داشته باشد، ارزش واقعی انسان بسیار پایین می‌آید. زیرا، این نوع از تحلیل هرگز قادر نیست بسیاری از هزینه‌هایی را که مجازات اعدام به زندگی افراد تحمیل می‌کند، برآورد کند و آن را با هزینه‌های عدم اجرای این مجازات مقایسه نماید.^۴

1. Thomas J. Miceli, *op.cit*, p. 304.

2. Klaus Mathis, *Efficiency Instead Of Justice?* Translated by Deborah Shannon, *Searching for the Philosophical Foundations of the Economic Analysis of Law*, Springer, 2008, p.p.160-161.

3. Richard A. Posner, *The Economics of Capital Punishment*, Available at: *Economists' Voice* www.bepress.com/ev March, 2006, p.1.

4. Rahiim Manji, *op.cit*, p.3.

به طور کلی، در تحلیل اقتصادی حقوق گفته می‌شود که نباید برای همه رفتارهای بزهکارانه شهروندان هزینه پرداخت، زیرا محدودیت در امکانات از یک سو، و فشار افکار عمومی و مالیات دهندگان از سوی دیگر، دولت را از تخصیص منابع در این بخش‌ها باز می‌دارد.^۱

نتیجه

تحلیل اقتصادی حقوق، به ویژه حقوق کیفری از شاخه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای به حساب می‌آید. رشته مطالعاتی که بیشتر جنبه تجربی و اثباتی دارد و از ابزارها و روش‌های اقتصادی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی از جمله جرایم کمک می‌گیرد. اقتصاد ابزارهای تحلیل و مدیریت رفتارها را در اختیار قانونگذار قرار می‌دهد، تا تصمیماتی کارآمد در خصوص تخصیص منابع محدود در بخش‌های مختلف جامعه بگیرد.

از دیدگاه اقتصادی، کمبود منابع در جامعه، سیاستگذار را وادار به انتخاب از میان راهکارهای مختلف می‌کند، انتخابی که با توجه به نحوه واکنش طرف‌های بازار صورت می‌گیرد. بدین‌سان، سیاستگذار باید به ارزیابی این واکنش‌ها دست‌زند تا تدابیر لازم را برای پیشگیری از نتایج بعدی، پیش‌بینی نماید. سیاستگذار برای رسیدن به این هدف از تحلیل‌های اثباتی، هنجاری و هزینه‌فایده استفاده می‌کند:

۱. نگرش اثباتی، با بررسی قوانین و مقررات موجود درصدد پیش‌بینی نحوه واکنش افراد جامعه به این محرک‌ها است. فرض اولیه در این نگرش، رفتار عقلانی طرف‌های بازاری به محرک‌ها یا مشوق‌های ایجاد شده از سوی قانونگذار است. بدین‌سان، سیاستگذار با پیش‌بینی و شناسایی این واکنش‌ها می‌تواند سیاست‌جنایی را به سمت کارایی سوق دهد. از سوی دیگر، در این نگرش، کارایی به عنوان معیار رفاه اجتماعی در بطن قوانین در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه، قاضی و مجریان قانون باید قوانین را با توجه به این معیار مورد تفسیر قرار دهند.

۲. در مقابل نگرش اثباتی، نگرش هنجاری به قوانین قرار دارد، نگرشی که ارائه‌کننده توصیه‌های ارزشی به قانونگذار در جهت اصلاح قوانین است. از این دیدگاه، قوانین باید به گونه‌ای وضع شوند که منجر به افزایش میزان ثروت در جامعه گردد. به عبارت دیگر، قوانین باید بر اساس معیار کالدور-هیگس قالب بندی شوند. در نگرش اقتصادی، برای

1. Ibid,p.2.

دستیابی به رفاه بیشتر و افزایش ثمربخشی یک سیاست، باید از معیار تحلیل هزینه-فایده استفاده شود، معیاری که با بررسی هزینه‌ها و منافع سیاست‌های مختلف، راهکاری را تجویز می‌نماید که با توجه به منابع محدود، بیشترین ثمربخشی را برای جامعه داشته باشد. ۳. تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، دو معیار را برای جرم‌انگاری رفتارهای بزهکارانه به سیاست‌گذار توصیه می‌کند. از یک سو، معیار درونی‌سازی هزینه‌های بزهکارانه در جرایمی که بازده اقتصادی ندارند تجویز می‌شود، معیاری که با خصوصی‌سازی پدیده مجرمانه بین بزهکار و بزه‌دیده از میزان هزینه‌های اجتماعی جرایم می‌کاهد. از سوی دیگر، معیار حقوق کیفری به عنوان یک قاعده تکمیلی برای افزایش میزان بازدارندگی مطرح می‌شود، معیاری که سیاستگذار در صورت ناکارآمدی قاعده درونی‌سازی هزینه‌ها می‌تواند در جهت افزایش بازدارندگی به کار گیرد.

۴. ازدیدگاه اقتصادی، مجازات‌های کارآمد را می‌توان بر اساس دو معیار فعل و زیان تعیین کرد. در جایی که مجازات بر اساس فعل تعیین می‌شود، رویکرد سیاستگذار، آینده‌نگر است و در آن زیان‌های وارده به بزه‌دیده و جامعه کمتر منعکس می‌شود. اما در جایی که مجازات بر اساس معیار فعل تعیین می‌شود، نگرش سیاستگذار، گذشته‌نگر است، بدین معنا که زیان وارد بر بزه‌دیده و جامعه مبنایی برای ناصواب بودن رفتار به حساب می‌آید.

۵. در نگرش اقتصادی، مجازات جزای نقدی کارایی بیشتری نسبت به سایر مجازات‌ها دارد و هزینه‌های اجرایی این مجازات نسبت به سایر مجازات‌ها بسیار کمتر است. بدینسان، سیاستگذار در درجه اول باید به این مجازات تکیه کرده و در صورتی که بازدارندگی کافی نداشته باشد، از سایر مجازات‌ها نیز استفاده کند.

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی

منابع

الف) فارسی

- الوانی، سید مهدی، **تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی**، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۷۹.
- بلاگ، مارک، **روش‌شناسی علم اقتصاد**، ترجمه دکتر غلام رضا آزاد(ارمکی)، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- خداد کاشی، فرهاد و محمد، **نبی شهیکی تاش، حوزه و وسعت قانون رقابت با توجه به ساختار اقتصادی (مطالعه موردی ایران)**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۳، ۱۳۸۶.
- دادگر، یدالله، **مولفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد**، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- داوید، رنه، و کامی ژوفره اسپینوزی، **درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر**، ترجمه و تلخیص دکتر سید حسین صفایی، انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- کوتر، رابرت و تامس یولن، **حقوق و اقتصاد**، ترجمه دکتر یدالله دادگر، حامد اخوان هزاوه، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- منیگو، گریگوری، **مبانی علم اقتصاد**، ترجمه دکتر حمید رضا ارباب، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- نوبهار، رحیم، **حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی**، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- یادی پور، مهدی، **مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد**، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹.

ب) انگلیسی

- Anthony Ogus, **Legal Theory Today Costs and Cautionary Tales**, Oxford And Portland, Oregon, 2006.
- Bruno S. Frey, **Punishment – and beyond**, Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, 2009.
- Cento VeljAnovski, **Economic Principles Of Law**, Cambridge University Press, 2007.
- Edward L. Glaeser & Bruce Sacerdote, **The Determinants of Punishment: Deterrence, Incapacitation and Vengeance**, Harvard University Cambridge, Massachusetts, 2000.
- Eyal Zamir & Barak Medina, **Law, Economics, and Morality**, Oxford University Press, 2010.
- Francesco Parisi & Jonathan Klick, **Functional Law And Economics: The Search For Value-Neutral Principles Of Lawmaking**, This Paper was Presented at the Special Workshop on Law and Economics and Legal Scholarship, 21st IVR World Congress, Lund, Sweden, August 12-18, 2003.

- Harold Winter, **The Economics of Crime an Introduction to Rational Crime Analysis**, Published Routledge, 2008.
- Hashem Dezhbakhsh, Paul H. Rubin & Joanna M. Shepherd, **Does capital Punishment have a Deterrent Effect?** New Evidence from Postmatorium Panel data, at: Economics, Law and Individual Rights, Edited by Hugo M. Mialon & Paul H. Rubin, Routledge, 2008.
<http://www.economics.harvard.edu/hier/2000list.html>
- John Roman & Graham Farrell, **Cost-Benefit Analysis For Crime Prevention: Opportunity Costs, Routine Savings and Crime Externalities**, at: Evaluation for crime Prevention, editor Nick Tilley, Willan Publishing Devon, UK, volume 14, 2002.
- Jon D. Hanson, Kathleen Hanson & Melissa R. Hart, **Law and Economics**, Harvard Law School Public Law & Legal Theory Working Paper Paper No. 10-14, 2009.
<http://ssrn.com/abstract=1529806>
- Katarina Svatikova, **Economic Criteria for Criminalization: Why Do We Need the Criminal Law?**, Rotterdam Institute Of Law And Economics, 2008.
- Keith N. Hylton & Haizhin Lin, **Innovation and Optimal Punishment, with Antitrust Applications**, Boston University School of Law Working Paper No. 08-33, 2008.
- Keith N. Hylton, **The Theory of Penalties and the Economics of Criminal Law**, Boston University School of Law, 2005.
- Klaus Mathis, **Efficiency Instead Of Justice?** Translated by Deborah Shannon, Searching for the Philosophical Foundations of the Economic Analysis of Law, Springer, 2008.
- Mark A. Cohen, **The Costs of Crime and Justice**, Routledge, 2005.
- Matthew Bishop, **Essential Economics**, Published by Profile Books Ltd 58A Hatton Garden, London ec1n 8lx ,2004.
- Nuno Garoupa & Fernando Gomez-Pomar, **Punish Once or Punish Twice: A Theory of the Use of Criminal Sanctions in Addition to Regulatory Penalties**, Harvard Law School John M. Olin Center for Law, Economics and Business Discussion Paper Series. Paper 308,2000.
- Nuno Garoupa & Maria Obdizinski, **The Scope of Punishment: An Economic Theory**, Illinois Law and Economics Research Papers Series Research Paper No. LE10-016, 2010.
- Nuno Garoupa Carlos Gomez Ligerre, **The Syndrome of the Efficiency of the Common Law**, Boston University Journal of International Law, Vol. 29, No. 2,2011.
- Nuno Garoupa, **An Economic Viewpoint Of Criminal Systems In Civil Law Countries**, at: Law And Economics In Civil Law Countries, Edited By Bruno Deffains & Thierry krait, EVIER SCIENCE B.V., 2001.
- Rahiim Manji, **Cost-Benefit Analysis, the Death Penalty, and Rationales for Punishment**, Senior Thesis Projects, University of Tennessee College Scholars Senior Project Mentor: Professor Lois Presser, 2006.
- Richard A. Posner, **An Economic Theory of the Criminal Law**, Columbia Law Review, Vol. 85, No. 6. Oct.1985.
- Richard A. Posner, **The Economics of Capital Punishment**, available at: Economists' Voice www.bepress.com/ev March, 2006.
- Richard Fowles, Edward C. Byrnes & Audrey O. Hickert, **The Cost of Crime : A Cost/Benefit Tool for Analyzing Utah Criminal Justice Program Effectiveness**,

Commission on Criminal and Juvenile Justice & Criminal and Juvenile Justice Consortium, University of Utah, 2005.

- Roger Bowles, Michael Faure & Nuno Garoupa, **Scope of Criminal Law and Criminal Sanctions: an Economic View and Policy Implications**, Journal of law and Society, Vol. 35, Issue 3, pp. 389-416, September 2008

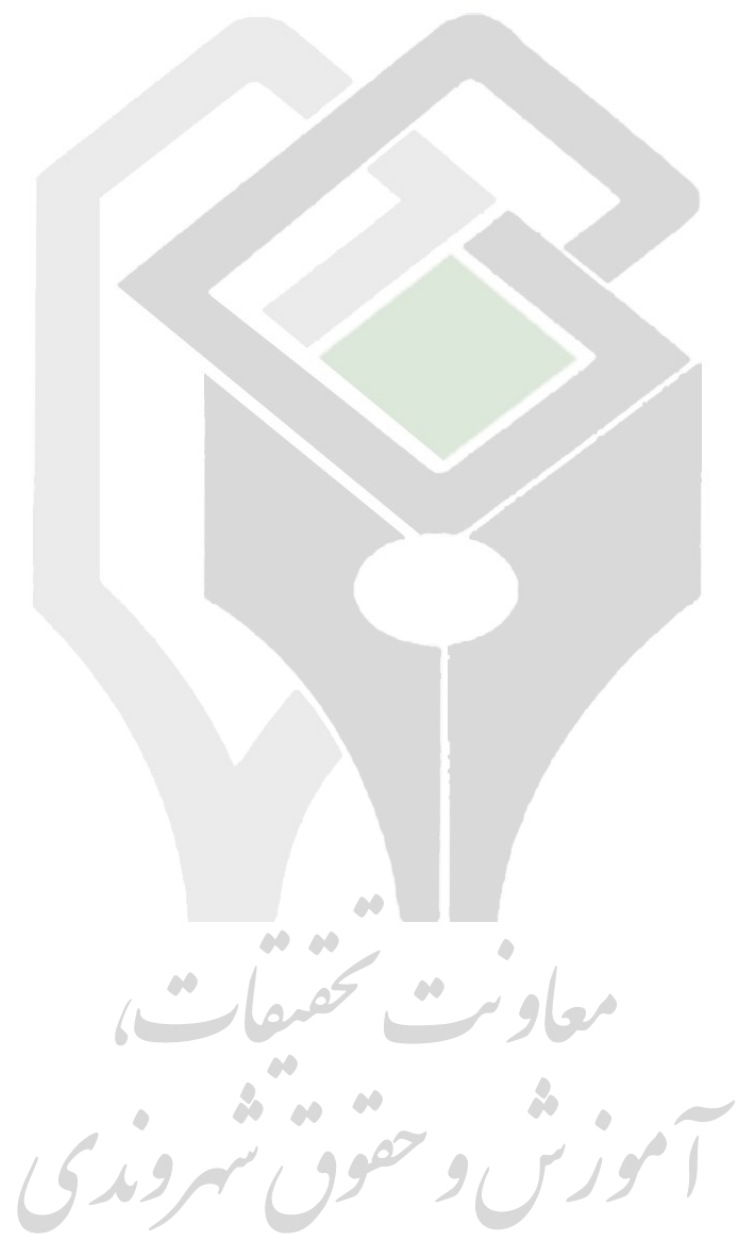
- Roger Van den Bergh & Louis Visscher, **Optimal Enforcement of Safety Law**, Rotterdam Institute of Law and Economics (RILE), 2008.

<http://ssrn.com/abstract=1115257>

- Thomas J. Miceli, **The Economic Approach To Law**, Stanford, California, 2004.



معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی



<http://www.lri.ir>

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی